

لایحه تجارت - قراردادهای تجارنی

فصل اول - مقررات عمومی

ماده ۱) مقررات این قانون در موارد زیر اعمال می‌شود:

۱. کلیه قراردادهای منعقدشده بین صاحبان حرف با یکدیگر
 ۲. کلیه قراردادهای منعقدشده بین صاحبان حرف با مصرف کنندگان، مشروط بر آن که قوانین و مقررات مساعدتری به نفع مصرف کننده بر رابطه قراردادی بین صاحب حرفه و مصرف کننده حاکم نباشد.
 ۳. کلیه قراردادهای منعقدشده بین مصرف کنندگان با یکدیگر، مشروط بر آن که طرفین قرارداد خود را صریحاً تابع این قانون قرار داده یا قوانین مربوط نسبت به حکم قضیه ساکت بوده باشند.
- تبصره ۱:** شخصی که قرارداد را خارج از فعالیت‌های شغلی خود منعقد می‌کند مصرف کننده و شخصی که قرارداد را در چارچوب فعالیت‌های شغلی خود منعقد می‌کند صاحب حرفه نامیده می‌شود.
- تبصره ۲:** کلیه قراردادهای توزیع کنندگان کالا، ارائه کنندگان خدمات و تولیدکنندگان در راستای فعالیت‌های شغلی آنان محسوب می‌شود، مگر آنکه خلاف آن اثبات شود.

ماده ۲) اشخاص در انعقاد قرارداد خصوصی، تعیین مفاد و تعیین قانون حاکم بر آن آزادند.

ماده ۳) قرارداد تابع قانون محلی است که با توجه اوضاع و احوال مسلم قضیه بیشترین ارتباط را با آن قرارداد داشته باشد مگر آنکه متعاقدين آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرارداده باشند.

ماده ۴) طرفین قرارداد می‌توانند شمول اعمال قانون را نسبت به قرارداد استثناء یا محدود نمایند یا مفاد قانون قابل اعمال را به نحو دلخواه تغییر دهند. قاعده آمره قابل اعمال در مورد قرارداد قابل استثناء، تحدید یا تغییر نیست.

تبصره: قاعده آمره عبارت است از احکام الزامی شرعی، مباحات اقتضائی و قواعد قابل اعمال مرتبط با نظم عمومی.

ماده ۵) انعقاد قرارداد، ابراز اراده یا هر عمل دیگر مرتبط با قرارداد و اثبات آن‌ها نیازمند هیچ تشریفات خاصی نیست. این امور، به هر وسیله، از جمله شهادت شهود، قابل اثبات است.

ماده ۶) قرارداد ممکن است دو تعهدی یا تک تعهدی باشد. قرارداد دو تعهدی قراردادی است که به موجب آن طرفین تعهدات متقابلی را به نفع یکدیگر به عهده می‌گیرند و قرارداد تک تعهدی قراردادی است که به موجب آن یک طرف در مقابل طرف دیگر تعهدی را به عهده می‌گیرد، بدون آن که متعهدله تعهد متقابلی را به نفع متعهد به عهده گرفته باشد.

ماده ۷) تعهد یک طرفه قراردادی است که به موجب آن یک طرف (متعهد) به دیگری (ذینفع) در دوره زمانی مشخص حق انتخاب انعقاد قراردادی را می‌دهد که عناصر ضروری آن تعیین شده و فقط اراده ذی نفع برای تشکیل آن ابراز نشده است. لغو تعهد یک طرفه در دوره زمانی تعیین شده برای ذینفع جهت اعمال حق مانع انعقاد قرارداد تعهد شده نیست. قرارداد با شخص ثالث آگاه به وجود تعهد یک طرفه که به سبب آن تعهد مذکور نقض شده است، باطل است.

ماده ۸) در تفسیر این قانون باید به ویژگی تجارتي آن و هدف قانون شامل ایجاد وحدت رویه در اعمال مقررات تجارتي توجه شود.

ماده ۹) در این قانون:

"هویت" شامل نام، نام خانوادگی و شماره ملی برای اشخاص حقیقی و نام و شماره انحصاری برای اشخاص حقوقی است.

"دادگاه" شامل هر دیوان داوری نیز می‌شود.

"نوشته" شامل هر چیزی است که حاوی ثبت اطلاعات موجود در خود و قابل تکثیر به شکل ملموس باشد.

ماده ۱۰) کلیه اخطارهای مقرر شده در مواد این قانون متناسب با وسایل ارتباطی در دسترس با توجه به اوضاع و احوال قابل انجام است.

تبصره: مقصود از اخطار هر بیانیه، تقاضا، درخواست یا ابراز قصد دیگر است.

ماده ۱۱) اخطار از زمان وصول به مخاطب قانوناً واجد اثر است. اطلاع شفاهی مخاطب، تحویل اخطار به محل فعالیت مخاطب یا نشانی پستی وی از مصادیق وصول اخطار است.

تبصره) چنانچه یکی از طرفین بیش از یک محل فعالیت داشته باشد، تحویل اخطار به محلی که با توجه به اوضاع و احوال مسلم یا به موجب توافق طرفین قبل از انعقاد قرارداد، نزدیکترین ارتباط را با قرارداد یا اجرای آن داشته باشد از مصادیق وصول اخطار است.

ماده ۱۲) طرفین مکلفند در مذاکرات مقدماتی، انعقاد و اجرای قرارداد اصل حسن نیت و عمل منصفانه در تجارت را رعایت کنند. طرفین نمی‌توانند بر خلاف مفاد این ماده توافق کنند.

ماده ۱۳) رعایت حسن نیت به وسیله طرفین مفروض است، مگر آنکه خلاف آن اثبات شود.

ماده ۱۴) هیچ شخصی در مذاکرات مقدماتی، انعقاد و اجرای قرارداد نباید ناهماهنگ با تلقی‌ای که خود برای طرف دیگر ایجاد کرده است، عمل کند. اگر طرف مقابل با اعتماد متعارف به وضع ایجاد شده اقداماتی را انجام دهد یا هزینه‌هایی را متحمل گردد، شخصی که وضع مذکور را ایجاد نموده است، مسئول خسارات وارد شده خواهد بود.

ماده ۱۵) هر یک از طرفین مکلف است اطلاعاتی را که در جریان مذاکرات قراردادی به عنوان «اطلاعات محرمانه» از سوی طرف دیگر به او ارائه می‌شود حفظ نماید، ولو آنکه مذاکرات مذکور به انعقاد قرارداد منجر نشود. در صورت افشاء اطلاعات مذکور یا استفاده از آنها برای مقاصد شخصی، متخلف مسئول جبران خسارات وارد شده است. تعهد به عدم افشای اطلاعات مذکور، در صورت انعقاد قرارداد تا پایان آن و در صورت عدم انعقاد قرارداد دو سال از تاریخ مذاکرات است، مگر این که به موجب توافق طرفین مدت دیگری مشخص شده باشد. در هر صورت، تکلیف حفظ اسرار تجارتي طرفین و عدم استفاده از آن محدود به مدت‌های مذکور نیست.

ماده ۱۶) شروع مذاکره قراردادی و ادامه آن باید با هدف حصول توافق صورت گیرد و طرفین در طول مذاکرات مکلف هستند کلیه اطلاعاتی را که عرفاً برای اتخاذ یک تصمیم متعارف در خصوص انعقاد قرارداد لازم است به طرف مقابل ارائه نمایند. در غیر این صورت و نیز در صورتی که یکی از اطراف مذاکره به نحو غیر متعارف، غیر موجه و یک جانبه مذاکرات را قطع نماید، مسئول خسارات و هزینه‌های تحمیل شده بر طرف مقابل خواهد بود.

تبصره: شروع مذاکره صرفاً با هدف بازداشتن طرف مقابل از مذاکره با دیگری، ورود به مذاکرات با هدف دستیابی به اسرار تجاری و اطلاعات مالی طرف مقابل، شروع مذاکراتی که بی‌نتیجه بودن آن از ابتدا بر شخص شروع کننده معلوم است یا شروع مذاکره بدون اینکه مذاکره کننده اختیار توافق مورد نظر را داشته باشد، از مصادیق مذاکره بدون هدف حصول توافق محسوب است.

ماده ۱۷) در کلیه قراردادهایی که موضوع آن اعطاء نمایندگی است، نماینده نمی‌تواند خود را در وضعیتی قرار دهد که با اعطاء کننده نمایندگی دارای تعارض منافع گردد، مگر آنکه این امر را قبلاً به اعطاء کننده نمایندگی اطلاع داده باشد.

ماده ۱۸) چنانچه شخصی به هر طریق موجب شود که دیگری نماینده یا دارای اختیاراتی از جانب او شناخته شود و اشخاص ثالث با اعتماد متعارف به وضع ایجاد شده با او به مانند نماینده یا شخص واجد اختیار برخورد نمایند، اصیل نمی‌تواند در مقابل شخص ثالث به فقدان نمایندگی یا فقدان اختیارات نماینده استناد کند.

ماده ۱۹) عزل نماینده ای که نمایندگی او در دفتر ثبت تجاری به ثبت رسیده است باید ثبت و آگهی شود. در غیر این صورت، عزل در مقابل شخص ثالث ناآگاه غیر قابل استناد است.

ماده ۲۰) اگر طرفین تعیین برخی از مفاد قرارداد را به مذاکرات بعدی یا شخص ثالث موکول کرده باشند، این امر مانع از انعقاد قرارداد نیست. در این صورت، چنانچه طرفین بعداً در مورد مفاد مذکور به توافق نرسند یا شخص ثالث آن را تعیین نکند، قرارداد باطل نمی‌شود، مشروط بر این که معیار متعارفی برای تعیین آن مفاد وجود داشته باشد که در این صورت مفاد مذکور باید با توجه به آن معیار تعیین گردد.

ماده ۲۱) طرفین می‌توانند توافق کنند مبلغ معامله به وسیله شخص ثالث یا بر اساس ضابطه‌ای معین تعیین شود. هرگاه تعیین مبلغ به شخص ثالث واگذار شده باشد، شخص مذکور باید در تعیین مبلغ به نحو متعارف عمل کند. چنانچه ثالث نخواهد یا نتواند مبلغ را تعیین کند، مبلغ مذکور به نحو متعارف تعیین می‌شود. چنانچه توافق شده باشد مبلغ معامله بر اساس ضابطه‌ای تعیین شود که دیگر وجود ندارد یا قابل دسترس نیست، نزدیکترین ضابطه معادل با ضابطه مورد توافق باید جایگزین گردد.

ماده ۲۲) در موارد زیر، شرط مندرج در قرارداد، چنانچه موجب عدم تعادل نامتعارف بین حقوق و تکالیف طرفین گردد، غیرمنصفانه محسوب می‌شود و زیان دیده می‌تواند خواهان ابطال شرط شود:

۱. شرط مندرج در قرارداد بین مصرف کننده و صاحب حرفه، چنانچه شرط به زیان مصرف کننده باشد؛
 ۲. شرط مندرج در قراردادی که یکی از طرفین در خصوص موضوع آن دارای انحصار است، چنانچه شرط به زیان طرف دیگر باشد؛
 ۳. شرط مندرج در قرارداد نمونه ارائه شده از سوی یکی از طرفین، چنانچه شرط به زیان طرف دیگر باشد؛
- تبصره ۱: در احراز عدم تعادل نامتعارف بین حقوق و تکالیف طرفین باید به ماهیت و هدف قرارداد، اوضاع و احوال حاکم بر انعقاد قرارداد و سایر شروط آن قرارداد توجه شود.

تبصره ۲: در مواردی که زیان‌دیده خواهان ابطال شرط است، اگر طرف مقابل قبول نماید که شرط مذکور تعدیل شود، دادگاه حکم به تعدیل شرط به نحو متعارف خواهد داد.

ماده ۲۳) در قراردادهایی که شخص صاحب حرفه با مصرف کننده منعقد می‌نماید، درج شروط زیر به نفع صاحب حرفه ممنوع و درج آن کأن لم یکن محسوب است:

- ۱- شرطی که مسئولیت قانونی صاحب حرفه را منتفی یا محدود نماید.
- ۲- شرطی که حقوق قانونی طرف مقابل را در صورت عدم اجرای جزئی یا کلی قرارداد از سوی صاحب حرفه منتفی یا محدود نماید.
- ۳- شرطی که به صاحب حرفه حق فسخ دهد، چنانچه طرف مقابل در همان مورد فاقد این حق باشد.
- ۴- شرطی که به صاحب حرفه در تغییر نوع انجام کار یا صفات محصول، بدون دلیل منطقی بیان شده در قرارداد، اختیار بدهد.
- ۵- شرطی که به صاحب حرفه در تعیین قیمت در زمان تسلیم یا افزایش آن اختیار بدهد، بدون آنکه در همان مورد به طرف مقابل حق فسخ داده شده باشد.
- ۶- شرطی که تفسیر قرارداد یا داوری در خصوص مطابقت کالا یا خدمات ارائه شده با مفاد قرارداد را به شخص ارائه کننده یا ثالثی که از جانب او تعیین می‌شود واگذار کند.
- ۷- شرطی که تعهد طرف مقابل را قطعی کند، اما انجام تعهد از سوی صاحب حرفه را منوط به شرط تعلیقی نماید که تحقق آن منوط به اراده خود او است.
- ۸- شرطی که به موجب آن بار اثبات از عهده صاحب حرفه به طرف مقابل منتقل گردد.
۹. شرطی که وجه التزام تعیین شده در قرارداد را در مقایسه با صدمه و زیان ناشی از عدم اجرای تعهد یا تأخیر در آن و اوضاع و احوال دیگر، به نحو غیرمتعارفی بیشتر تعیین کرده باشد.
- ۱۰- شرطی که مصرف کننده را به قبول داوری ملزم نماید که صاحب حرفه تعیین می‌کند.

تبصره: در قراردادهایی که یکی از طرفین در خصوص موضوع آن دارای انحصار باشد هرگاه شروط موضوع این ماده به زیان طرف دیگر درج گردد، حکم این ماده مجرا است.

ماده ۲۴) هر قراردادی که صحیحاً منعقد شده است، برای طرفین الزام آور است. هرگونه تغییر مفاد قرارداد یا فسخ آن، تنها، به موجب مقررات خود قرارداد یا توافق جدید امکان پذیر است، مگر این که قانون به نحو دیگری مقرر کرده باشد.

ماده ۲۵) طرفین به رعایت رویه ها و شیوه های معمول بین خود ملزم هستند.

ماده ۲۶) طرفین به رعایت عرف هایی که به طور معمول در معاملات مرتبط به وسیله اشخاص رعایت می شود، ملزم هستند، مگر آن که اعمال عرف مذکور در خصوص یک رابطه قراردادی نامتعارف باشد.

ماده ۲۷) در تفسیر کلیه قراردادها سکوت قرارداد، در صورت فقدان قوانین آمره، به ترتیب بر رویه و شیوه معمول بین طرفین، عرف خاص، عرف عام و قوانین تکمیلی محمول است.

ماده ۲۸) اگر شرط مبهمی به پیشنهاد یکی از طرفین در قرارداد درج شده باشد، آن شرط به ضرر پیشنهاددهنده آن تفسیر خواهد شد.

ماده ۱۲۹ هر یک از طرفین مکلف اند کلیه اطلاعاتی را که عرفاً لازمه اجرای قرارداد است به طرف مقابل ارائه نمایند. هیچ یک از طرفین نمی تواند با استناد به اینکه اطلاعات مذکور در زمره اسرار تجاری است یا عدم ارائه آنها در قرارداد شرط شده است، از انجام این تکلیف خودداری نماید.

ماده ۳۰ تا زمانی که متعهد اختطاری از متعهدله مبنی بر انتقال حق دریافت نکرده است با انجام تعهد برای انتقال دهنده از تعهد خود بری می شود. پس از اینکه شخص متعهد اختطار مزبور را وصول کرد، فقط با ایفای تعهد برای منتقل الیه از تعهد خود بری خواهد شد. اگر حق واحدی به طور متوالی به دو یا چند شخص انتقال یافته باشد، شخص متعهد با پرداخت مطابق با توالی دریافت اختطارها از تعهد خود بری می شود.

ماده ۳۱ در موردی که موضوع تعهد عملی است که انجام آن جز به وسیله متعهد ممکن نیست، چنانچه متعهدله از دادگاه اجبار متعهد به اجرای قرارداد را تقاضا کند، دادگاه می تواند به درخواست متعهدله، در حکم راجع به اصل دعوا یا پس از صدور حکم، به تناسب موضوع تعهد، مدت و مبلغی را معین نماید که اگر محکوم علیه مدلول حکم قطعی را در آن مدت اجرا نکند، مبلغ مزبور را برای هر روز تأخیر به محکوم له بپردازد.

ماده ۳۲ چنانچه نماینده، به هنگام انعقاد قرارداد، نمایندگی خود در امضای قرارداد یا هویت منوبّ عنه را افشاء ننماید، طرف مقابل می تواند علاوه بر اصل اجرای قرارداد را از نماینده نیز مطالبه کند.

ماده ۳۳ چنانچه نماینده به هنگام انعقاد قرارداد، نمایندگی خود در امضای قرارداد و هویت منوبّ عنه را افشاء نماید، طرف مقابل فقط می تواند اجرای قرارداد را از اصل مطالبه کند، مگر این که نماینده نیز صریحاً یا ضمناً اجرای قرارداد را تعهد نموده باشد.

ماده ۳۴ چنانچه پیش از تاریخ اجرای تعهد، با توجه به اوضاع و احوال، ظن متعارف وجود داشته باشد که یکی از طرفین تعهدات اساسی خود را در تاریخ مقرر اجراء نخواهد کرد، طرف دیگر می تواند خواستار ارائه تضمین متناسب برای اجرای تعهد باشد و تا ارائه آن از اجرای تعهدات خویش خودداری کند. اگر تضمین متناسب در مدت زمان متعارف ارائه نشود، طرف دیگر می تواند قرارداد را فسخ کند. با وجود این، چنانچه عدم اجرای تعهدات اساسی یکی از طرفین در تاریخ مقرر قطعی باشد، تقاضای ارائه تضمین لازم نیست و طرف دیگر می تواند رأساً قرارداد را فسخ کند.

تبصره: در احراز اساسی بودن تعهد نقض شده اوضاع و احوال مسلم قضیه از جمله رکن بودن تعهد نقض شده، شدت زیان بار بودن نقض و ناکارآمد بودن اجبار متعهد به ایفای تعهد مناط اعتبار است.

ماده ۳۵ در صورت نقض تعهدات اساسی قراردادی، متعهدله می تواند رأساً قرارداد را فسخ نماید. در این مورد، وجود حق فسخ مانع الزام به ایفای تعهد و اعمال آن مانع تقاضای جبران خسارات ناشی از نقض نیست.

ماده ۳۶ در صورت نقض تعهدات غیراساسی قراردادی، متعهدله می تواند به موجب اختطار مهلت اجرای قرارداد به وسیله متعهد را به نحو متعارف تمدید کند. در این صورت، متعهدله مجاز به الزام متعهد به ایفای تعهد نیست. اگر متعهد تعهدات خود را در مهلت مذکور اجرا نکرد یا اعلام نمود که اجرا نمی کند، متعهدله می تواند تا زمانی که تعهد مذکور انجام نشده است، قرارداد را فسخ نماید. در هر حال، متعهدله می تواند، حسب مورد، خسارات ناشی از عدم اجرای قرارداد یا تأخیر در اجرای آن را از متعهد مطالبه کند، مگر اینکه عدم اجراء یا تأخیر به حادثه خارجی غیر قابل پیش بینی و غیر قابل رفع مستند باشد.

ماده ۳۷) هرگونه نقض قرارداد، شامل عدم اجرای قرارداد یا تأخیر در اجرای آن، به زیان دیده حق مطالبه جبران کامل خسارت را می‌دهد، مگر این که نقض قرارداد ناشی از تجویز صریح مقنن باشد. نه حق مطالبه جبران کامل خسارت نافی ضمانت اجرای دیگر در نظر گرفته شده برای نقض قرارداد است و نه ضمانت اجرای مذکور نافی حق مطالبه جبران کامل خسارت می‌باشد.

تبصره: خسارت شامل هر ضرر وارد شده، اعم از مادی و معنوی، و هر محرومیت از نفع، از جمله نفع ناشی از اجتناب از هزینه یا خسارت، می‌گردد.

ماده ۳۸) اگر یکی از طرفین قرارداد به دلیل نقض تعهدات قراردادی طرف دیگر طبق مقررات معامله را فسخ و طی مدت و به طریق متعارف معامله‌ای جایگزین منعقد کرده باشد، می‌تواند مابه التفاوت مبلغ قرارداد و مبلغ معامله جایگزین و هر خسارت دیگر ناشی از این امر را از طرف دیگر مطالبه کند. اگر طرف زیان دیده معامله جایگزینی منعقد نکرده اما مبلغ رایجی برای اجرای موضوع تعهد وجود داشته باشد، وی می‌تواند مابه التفاوت مبلغ قرارداد و مبلغ رایج در زمان فسخ قرارداد و هر خسارت دیگر ناشی از عدم اجراء یا تأخیر در اجرای قرارداد را از طرف دیگر مطالبه کند. مبلغ رایج مبلغی است که عرفاً برای کالاها یا خدمات موضوع قرارداد در اوضاع و احوال مشابه، در محل اجرای قرارداد، مقرر است.

ماده ۳۹) در صورت بروز حوادثی که تعادل قرارداد را به طور اساسی بر هم زده یا به نحو فاحشی هزینه اجرای تعهد را برای یک طرف افزایش طرف زیان دیده حق دارد به منظور ایجاد تعادل قراردادی در مدت متعارف و با ذکر دلایل درخواست مذاکره کند. درخواست مذاکره حق خودداری از اجرای تعهدات را به طرف زیان دیده نمی‌دهد. در صورت عدم دستیابی به توافق در مدت متعارف، هریک از طرفین می‌توانند تعدیل قرارداد را از دادگاه تقاضا کنند. دادگاه در صورت احراز موضوع این ماده، حکم به تعدیل قرارداد خواهد داد و چنانچه حکم به تعدیل نامتعارف یا تعدیل ناممکن باشد، از تاریخ حکم قرارداد را ابطال خواهد کرد.

تبصره ۱: چنانچه قرارداد در خصوص نحوه تعدیل قرارداد، در موارد مقرر در این ماده، متضمن مقرراتی باشد، مفاد این ماده اجرا نخواهد شد، مشروط بر آن که مقررات مذکور غیرمنصفانه نباشد. در هر حال، طرفین نمی‌توانند بر عدم امکان تعدیل قرارداد، در موارد مقرر در این ماده، توافق نمایند.

تبصره ۲: حوادث قبل از انعقاد قرارداد که زیان دیده نسبت بدان مطلع بوده است یا باید مطلع می‌بود، حوادثی که برای زیان دیده به هنگام انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی یا کسب اطلاع بوده است، بعضی از حوادثی که زیان دیده خطر احتمالی ناشی از آن را بر عهده گرفته باشد و مواردی که تأخیر زیان دیده موجب آن شده است، موجب ابطال یا تعدیل قرارداد نیست.

ماده ۴۰) در کلیه قراردادهایی که موضوع آن اعطاء نمایندگی است، سمت نمایندگی، حسب مورد، با انحلال، فوت یا حجر اعطاءکننده نمایندگی پایان می‌یابد، لکن، در صورت اقتضای ضرورت، نماینده قبلی تا تعیین نماینده جدید، با رعایت مصلحت، مسؤولیت اداره اموال را بر عهده خواهد داشت.

ماده ۴۱) نحوه محاسبه کلیه مهلت‌ها و مواعد مقرر در قراردادها و این قانون تابع قانون آیین دادرسی مدنی است، مگر به موجب قرارداد یا قانون بر خلاف آن مقرر شده باشد.

فصل دوم - دلالتی

ماده ۴۲) دلالتی عقدی است که به موجب آن دلال در برابر دیگری (آمر) تعهد می‌کند که برای او طرف معامله پیدا کند و در انعقاد معامله با طرف مذکور وساطت نماید.

ماده ۴۳) دلال می‌تواند در رشته‌های مختلف دلالی کند و شخصاً نیز به تجارت بپردازد.

ماده ۴۴) دلال می‌تواند در یک زمان برای چند آمر دلالی کند. در این صورت، باید آنها را از این موضوع و مسائل دیگری که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود آگاه کند.

ماده ۴۵) دلال در مقابل هر یک از طرفین مسؤول خسارات ناشی از تقصیر خود است.

ماده ۴۶) دلال باید اطلاعات صحیح و کاملی را در مورد جزئیات معاملات مرتبط با موضوع دلالی به طرفین معامله ارائه کند، حتی اگر دلالی را فقط برای یکی از طرفین انجام دهد.

ماده ۴۷) دلال نمی‌تواند از سوی یکی از طرفین معامله وجهی را دریافت، دینی را تأدیه و یا اینکه تعهدات وی را اجراء کند، مگر اینکه چنین اجازه‌ای داشته باشد.

ماده ۴۸) دلال مسؤول حفظ و نگهداری کلیه اشیاء و اسنادی است که ضمن معاملات به او تسلیم می‌شود، مگر اینکه ثابت کند تلف اشیاء یا اسناد مذکور ناشی از علتی است که به شخص او یا کارکنان وی مستند نیست.

ماده ۴۹) هرگاه اسناد معامله در حضور دلال، امضاء و یا به‌وسیله او رد و بدل شود، دلال ضامن اصالت امضاءهای مندرج در اسناد مذکور است.

ماده ۵۰) دلال ضامن اجرای معاملاتی که به وساطت او منعقد می‌شود نیست.

ماده ۵۱) دلال ضامن اعتبار اشخاصی است که به عنوان طرف معامله به آمر خود معرفی می‌کند، مگر اینکه به موجب قرارداد بین طرفین دلال از این مسؤولیت معاف شده باشد. با این حال، شرط عدم مسؤولیت دلال مانع از رجوع به او در صورت تقصیر نخواهد بود. دلال در مقابل طرف قرارداد، ضامن اعتبار آمر خود نیست.

ماده ۵۲) دلال در مورد ارزش یا جنس کالای مورد معامله در برابر آمر مسؤول است، مگر اینکه به موجب قرارداد بین طرفین دلال از این مسؤولیت معاف شده باشد. با این حال، شرط عدم مسؤولیت دلال مانع از رجوع به وی در صورت تقصیر نیست.

ماده ۵۳) هرگاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله کنند، دلال در مقابل متعهدله مسؤول اجرای معامله است.

ماده ۵۴) چنانچه دلال در معامله موضوع قرارداد دلالی ذی‌نفع یا سهیم باشد، باید طرف ناآگاه را از این امر مطلع کند. در غیر این صورت مسؤول خسارات وارد شده است و به جزای نقدی از یک‌دهم تا نصف ارزش مورد معامله محکوم می‌شود.

ماده ۵۵) در صورتی که دلال در معامله سهیم باشد، با آمر خود متضامناً مسؤول اجرای تعهد است.

ماده ۵۶) دلال حق ندارد برخلاف تعهد خود در برابر شخصی که به وی مأموریت داده است، به نفع طرف دیگر معامله اقدام یا برخلاف عرف تجارتی محل از وی وجهی دریافت یا وعده وجهی را قبول کند. در این صورت، دلال مستحق اجرت و هزینه‌های صرف‌شده نیست و به جزای نقدی درجه ۴ و دو سال محرومیت از دلالی محکوم می‌شود.

ماده ۵۷) میزان اجرت دلال به موجب قرارداد تعیین می‌شود. در صورت وجود تعرفه مصوب مراجع ذی صلاح، میزان اجرت دلال نباید از تعرفه مذکور بیشتر باشد.

ماده ۵۸) دلال نمی‌تواند اجرت را مطالبه کند، مگر معامله به وساطت او منعقد شود.

ماده ۵۹) هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد، دلال پس از حصول شرط، مستحق اجرت است.

ماده ۶۰) مخارجی که دلال در اجرای دلالی با اذن یا اجازه آمر متحمل شده است، حتی در صورت عدم انعقاد معامله نیز، قابل مطالبه است.

ماده ۶۱) اجرت و مخارج دلال بر عهده طرفی است که او را مأمور می‌کند، مگر اینکه ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۶۲) در صورتی که معامله اقاله یا به استناد یکی از اختیارات قانونی فسخ شود، حق مطالبه اجرت از دلال سلب نمی‌شود، مشروط بر اینکه اقاله یا فسخ معامله به دلال مستند نباشد.

ماده ۶۳) دلالی معاملات ممنوع اجرت ندارد.

ماده ۶۴) درموردی که فروش از روی نمونه باشد، دلال باید نمونه کالا را تا پایان اجرای تعهدات طرفین یا زمانی که در قرارداد معین شده است نگاه دارد، مگر اینکه به تراضی دوطرف از این قید معاف شده باشد. کالای فاسدشدنی از شمول این حکم مستثنا است.

ماده ۶۵) دلال مکلف است از هرگونه افشای اسرار دو طرف معامله، که وی به اقتضای شغل خود از آن آگاه شده است خودداری نماید. در صورت افشاء اسرار مذکور یا استفاده از آنها برای مقاصد شخصی، مسئول جبران خسارات وارده خواهد بود.

ماده ۶۶) دلال باید کلیه معاملاتی را که به وساطت او انجام گرفته‌است، با ذکر نوع و مشخصات معامله و طرف های آن در یک دفتر الکترونیک ثبت کند.

فصل سوم - حق العمل کاری

ماده ۶۷) حق العمل کاری عقدی است که به موجب آن شخصی در مقابل دیگری (آمر) تعهد می‌کند که به نام خود و حساب او معامله نماید.

مبحث اول - حقوق و تکالیف حق العمل کار

ماده ۶۸) حق العمل کار باید آمر را از اقدامات خود آگاه کند و در صورت انجام دادن معامله به فوریت مراتب را با ذکر مشخصات و زمان معامله به او اطلاع دهد.

ماده ۶۹) حق العمل کار مکلف به بیمه کردن موضوع معامله نیست، مگر اینکه آمر دستور داده یا قانون مقرر کرده باشد.

ماده ۷۰) حق العمل کار مسؤول جبران کلیه خساراتی است که از تقصیر یا تقلب او ناشی می‌شود.

ماده (۷۱) اگر کالایی که به منظور فروش برای حق العمل کار ارسال می شود دارای عیوب ظاهری باشد، حق العمل کار باید برای حفظ حق رجوع آمر به متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارت، اقدامات لازم را انجام دهد و به نحو مقتضی کالا را محافظت و آمر را از اقدامات خود آگاه کند. در غیر این صورت مسؤول خسارت ناشی از این تقصیر است.

ماده (۷۲) اگر فروش کالایی که برای حق العمل کار ارسال می گردد ممکن نشود و یا آمر از اذن فروش رجوع کند و کالا را بیش از حد متعارف نزد حق العمل کار بگذارد، وی می تواند آن را از طریق موسسه حراجی بفروشد.

ماده (۷۳) در هر صورت، چنانچه بیم فساد سریع کالایی رود که به منظور فروش برای حق العمل کار ارسال شده است، حق العمل کار می تواند و در صورتی که منافع آمر ایجاب کند مکلف است کالا را با اطلاع دادستان محل استقرار کالا یا نماینده او بفروشد.

ماده (۷۴) در صورتی که حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به اقساط یا نسیه بفروشد یا به صورت سلف بخرد یا برای خرید، پیش پرداختی بدهد، ضررهای ناشی از آن برعهده وی است. با وجود این، اگر خرید یا فروش به نحو مذکور مطابق رویه بین طرفین یا عرف تجاری محل اجرای حق العمل کاری باشد، حق العمل کار به انجام آن مجاز است، مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد.

ماده (۷۵) چنانچه حق العمل کار کالا را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده است بفروشد یا به قیمتی بیش از آنچه آمر معین کرده است بخرد، در برابر آمر مسؤول تفاوت قیمت است، مگر اینکه حق العمل کار ثابت کند معامله انجام شده به منظور جلوگیری از ورود ضرر بیشتر به آمر بوده و کسب اجازه از وی در آن زمان مقدور نبوده است.

ماده (۷۶) اگر حق العمل کار کالا را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده است بخرد یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین کرده است بفروشد، حق تصرف در تفاوت قیمت را ندارد و باید تفاوت آن را به حساب آمر منظور کند.

ماده (۷۷) در موارد زیر حق العمل کار می تواند خود طرف معامله قرار گیرد:

۱. چنانچه آمر صریحاً به حق العمل کار اذن داده باشد.
 ۲. چنانچه حق العمل کار مأمور به خرید و یا فروش کالا، اسناد تجاری و یا سایر اوراق بهاداری باشد که قیمت بورسی یا بازاری دارد، مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد.
- ماده (۷۸)** در موارد مذکور در ماده (۷۷) اگر آمر از امر خود رجوع کند و حق العمل کار قبل از ارسال خبر انجام معامله از این رجوع مطلع گردد، دیگر نمی تواند خود خریدار یا فروشنده باشد.

ماده (۷۹) در موارد مذکور در ماده (۷۷)، اگر معامله را بدون تعیین طرف معامله به آمر اطلاع دهد، خود طرف معامله محسوب می شود.

ماده (۸۰) در مواردی که حق العمل کار خود نمی تواند طرف معامله واقع شود مکلف است طرف معامله را به آمر معرفی نماید.

ماده (۸۱) حق العمل کار در مقابل آمر مسؤول اجرای تعهدات طرف معامله نیست، مگر اینکه مجاز به معامله به اعتبار نباشد یا خود طرف معامله را ضمانت کرده باشد یا در قرارداد آمر و حق العمل کار مسؤولیت او مقرر شده باشد یا عرف تجاری محل او را مسؤول بشناسد.

مبحث دوم - اجرت و هزینه های حق العمل کاری

ماده ۸۲) مفاد ماده (۵۷) این قانون درباره میزان حق العمل نیز مجرا است. حق العمل کار در صورتی مستحق حق العمل است که معامله اجراء شده یا عدم اجرای آن به امر مستند باشد. اگر معامله به علل دیگری که مستند به حق العمل کار نیست اجراء نشود، حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی است که عرف و تجارتی محل اجرای حق العمل کاری معین می کند.

ماده ۸۳) هزینه هایی که صرف آن برای انجام حق العمل کاری ضروری بوده است، حتی در صورت عدم استحقاق حق العمل نیز قابل مطالبه است، مگر اینکه در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۸۴) در موارد مذکور در ماده (۷۷) این قانون، حق العمل کار مستحق حق العمل و مخارج عادی حق العمل کاری است و باید قیمت را طبق نرخ بازار در روز انجام حق العمل کاری منظور کند.

ماده ۸۵) در صورت تقلب حق العمل کار از جمله در موردی که حق العمل کار به حساب امر قیمتی بیشتر از قیمت خرید یا کمتر از قیمت فروش محسوب کند، وی مستحق حق العمل نیست. علاوه بر این، در دوصورت اخیر امر می تواند حق العمل کار را خریدار یا فروشنده محسوب کند.

ماده ۸۶) حق العمل کار برای وصول مطالبات خود از امر نسبت به اموال موضوع معامله یا قیمتی که اخذ کرده است حق حبس دارد؛ با این حال در خصوص اموال قابل تجزیه نمی تواند بیش از طلب خود را حبس نماید.

فصل چهارم - نمایندگی تجارتی

ماده ۸۷) نمایندگی تجارتی عبارت است از تعهد به بازاریابی، انجام مذاکرات مقدماتی، انعقاد قرارداد و یا ارائه خدمات به نام و به حساب دیگری، به نحو مستمر، بدون اینکه نماینده، مستخدم یا اجیر طرف دیگر باشد.

ماده ۸۸) مقررات این فصل مانع اعمال مقررات مربوط به نمایندگی هایی که قانون در مورد آن ها ترتیب دیگری مقرر کرده است، نمی باشد.

مبحث اول - حقوق و تکالیف طرفین نمایندگی تجارتی

ماده ۸۹) نماینده تجارتی می تواند نمایندگی اشخاص دیگر را نیز قبول کند، مگر اینکه به موجب قرارداد از قبول نمایندگی دیگری منع شده باشد. در هر حال، چنانچه نماینده تجارتی نمایندگی شخص دیگری را بپذیرد که در همان موضوع نمایندگی با اعطاء کننده نمایندگی رقابت دارد، این موضوع را باید به اطلاع اعطاء کننده نمایندگی برساند.

ماده ۹۰) اعطاء کننده نمایندگی می تواند در محدوده جغرافیایی مشخص به اشخاص متعدد نمایندگی تجارتی اعطاء و یا خود به عرضه کالا و یا خدمات اقدام کند، مگر اینکه با نماینده تجارتی به نحو دیگری توافق کرده باشد.

ماده ۹۱) نماینده تجارتی و اعطاء کننده نمایندگی باید اطلاعات لازم برای انجام نمایندگی از جمله پیش بینی خود در خصوص حجم معاملات و تغییرات آن و کلیه اسناد و مدارک مربوط به موضوع نمایندگی را مبادله کنند.

ماده ۹۲) نماینده مسؤول تلف یا نقصان کالاهایی است که به حساب اعطاء کننده نمایندگی در تصرف دارد، مگر اینکه ثابت کند تلف یا نقص، مستند به او یا اشخاص تحت امر وی نبوده است.

ماده ۹۳) نمایندگی تجارتی باید در دفتر ثبت تجارتی به ثبت برسد. در غیر این صورت محل اجرای نمایندگی پلمب خواهد شد.

ماده ۹۴) چنانچه اقامتگاه اعطاء کننده نمایندگی خارج از کشور باشد، نماینده تجارتي نیز مسؤول اجرای قراردادهایی است که به عنوان نماینده با اشخاص ثالث منعقد کرده است.

ماده ۹۵) قرارداد نمایندگی از حیث مدت محدود است، مگر این که بر نامحدود بودن آن تصریح شده باشد.

ماده ۹۶) در قرارداد نمایندگی محدود، مدت نمایندگی باید در قرارداد نمایندگی تعیین شود و الا مدت نمایندگی دو سال فرض می شود.

ماده ۹۷) چنانچه اعطاکننده نمایندگی قرارداد را پیش از موعد فسخ نماید، نماینده مستحق خسارات وارده شده خواهد بود، مشروط بر اینکه این فسخ ناشی از تقصیر نماینده نباشد. فسخ قرارداد نمایندگی نامحدود پیش از دو سال از زمان اجرایی شدن قرارداد نیز مشمول همین حکم است.

ماده ۹۸) در صورت عدم ایفای تعهدات از سوی هریک از طرفین نمایندگی تجارتي، از جمله قطع رابطه نمایندگی به وسیله یکی از طرفین بدون علت موجه، متخلف مسؤول جبران زیانهای وارده شده به طرف مقابل است. چنانچه رابطه نمایندگی قطع شود، زیان دیده باید ظرف یک سال از تاریخ قطع رابطه برای مطالبه خسارات وارده شده اقامه دعوا کند.

ماده ۹۹) قرارداد نمایندگی ممکن است متضمن شرط عدم رقابت پس از خاتمه قرارداد باشد. این شرط باید به منطقه جغرافیایی مشخص، نوع کالاها و خدماتی که موضوع قرارداد نمایندگی است و گروه اشخاصی که فعالیت نماینده تجارتي به آنها مربوط می شود، محدود باشد و الا باطل است. شرط عدم رقابت، حداکثر تا دو سال پس از خاتمه قرارداد معتبر است.

مبحث دوم - اجرت و هزینه های نماینده تجارتي

ماده ۱۰۰) میزان اجرت نماینده به موجب قرارداد تعیین می شود.

ماده ۱۰۱) نماینده تجارتي حسب اینکه موضوع نمایندگی انجام بازاریابی و یا مذاکرات مقدماتی، انعقاد قرارداد یا ارائه خدمات باشد، به ترتیب به محض انعقاد قرارداد به وسیله اعطاءکننده نمایندگی، اجرای قرارداد یا ارائه خدمت به وسیله نماینده، مستحق اجرت می شود. چنانچه عدم انعقاد یا اجرای قرارداد مستند به اعطاءکننده نمایندگی باشد، نماینده حسب مورد، پس از گذشت زمان متعارفی که قرارداد باید در آن مدت منعقد می شد یا پس از گذشت زمانی که قرارداد باید در آن مدت اجراء می گردید مستحق اجرت می شود. اگر معامله به علل دیگری منعقد یا اجراء نشود، نماینده تجارتي برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی است که عرف محل اجرای نمایندگی معین می کند، مشروط بر آنکه عدم انعقاد یا اجراء مستند به نماینده نباشد.

ماده ۱۰۲) نماینده انحصاری از بابت کلیه اقدامات اعطاکننده نمایندگی در حدود موضوع قرارداد و یا اشخاصی که به حساب اعطاءکننده نمایندگی در حوزه نمایندگی انحصاری اقدام کرده اند، مستحق اجرت خواهد بود.

ماده ۱۰۳) اگر اعطاءکننده نمایندگی ظرف مدت متعارف، نماینده را از عدم انعقاد یا عدم اجرای قراردادی که نماینده حسب مورد مذاکرات مقدماتی آن را انجام داده یا آن را منعقد کرده است، مطلع نکند، نماینده مستحق اجرت است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

ماده ۱۰۴) پس از خاتمه قرارداد نمایندگی، نماینده تجارتي حسب مورد، بابت انعقاد یا اجرای قراردادهایی که در مدت متعارفی پس از خاتمه قرارداد نمایندگی و در نتیجه فعالیتهای نماینده در طول دوره نمایندگی منعقد یا اجراء می شوند مستحق اجرت است.

ماده ۱۰۵) چنانچه طبق ماده (۱۰۴) این قانون نماینده تجارتی سابق مستحق اجرت باشد، نماینده جدید در آن مورد حق مطالبه اجرت ندارد، مگر اینکه قرارداد وی با اعطاءکننده نمایندگی استحقاق اجرت را ایجاب کند یا فعالیت او نیز در انعقاد یا اجرای قرارداد مؤثر بوده است که در این صورت بر اساس شرایط و اوضاع و احوال اجرت بین آنان تقسیم می‌شود.

ماده ۱۰۶) اعطاءکننده نمایندگی باید حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ استحقاق اجرت، فهرست اجرت‌های پرداخت نشده را به نماینده تجارتی تسلیم کند. این فهرست باید شامل همه معیارهایی باشد که اجرت براساس آنها محاسبه شده است. همه اطلاعات و خلاصه اسناد مالی مربوط باید به فهرست مذکور ضمیمه شود.

ماده ۱۰۷) درموردی که قرارداد نمایندگی برای مدت معین منعقد شده است و دو طرف پس از انقضای مدت آن را ادامه می‌دهند، تعهدات قراردادی آنها باقی است، مگر آنکه یکی از دو طرف با اخطار قبلی سه ماهه آن را خاتمه دهد. دو طرف قرارداد نمی‌توانند به مهلتی کمتر از مهلت مذکور توافق کنند و اگر به مدت بیشتر توافق نمایند، مهلت پیش‌بینی شده برای اعطاءکننده نمایندگی نباید کوتاهتر از مهلتی باشد که برای نماینده تجارتی پیش‌بینی شده است. چنانچه قرارداد به علت تقصیر یکی از دو طرف یا حادثه خارجی غیر قابل پیش‌بینی غیر قابل رفع منحل شود، مقررات این ماده لازم‌الرعایه نیست. گر قرارداد برای مدت نامحدود منعقد شده باشد، مقررات این ماده مجرا است.

ماده ۱۰۸) هرکس بر خلاف واقع ادعای نمایندگی از طرف دیگری نماید، علاوه بر جبران خسارات وارده، به جزای نقدی درجه ۳ محکوم می‌شود.

فصل پنجم - حمل و نقل

ماده ۱۰۹) قرارداد حمل و نقل قراردادی است که به موجب آن متصدی حمل و نقل در برابر دیگری تعهد می‌کند که در مقابل اجرت اشخاص و یا کالاهایی را از محلی به محل دیگر حمل کند. شخصی که به نام یا به حساب وی با متصدی حمل و نقل قرارداد بسته شده یا کالا به نام یا به حساب وی به متصدی حمل و نقل تحویل داده شده است، فرستنده و شخصی که مجاز به دریافت کالا در مقصد می‌باشد، گیرنده نامیده می‌شود.

تبصره: کالا شامل هرگونه مال منقول می‌گردد. درموردی که کالا در داخل کانتینر، جعبه، قفس یا پالت یا هر وسیله مشابه دیگری قرار داده شده یا به‌گونه‌ای بسته‌بندی شده است، کالا شامل کانتینر، جعبه، قفس، پالت و وسایل مشابه دیگر نیز می‌گردد، به شرط آنکه به وسیله فرستنده تهیه شده باشد.

ماده ۱۱۰) حمل و نقل به وسیله پست و همچنین قراردادهای اجاره وسایل نقلیه زمینی، هوایی، ریلی و یا دریایی تابع مقررات این فصل نیست. قراردادهای حمل و نقل، هرچند به‌صورت قرارداد اجاره تنظیم شود، مشمول این فصل است.

ماده ۱۱۱) قراردادهای مشمول معاهدات بین‌المللی که دولت ایران به آنها پیوسته است، مشمول مقررات این فصل نخواهد بود. در موارد سکوت این قانون، حسب مورد مقررات معاهدات بین‌المللی که دولت ایران به آنها پیوسته است تا حدی که بر حمل و نقل داخلی قابل اعمال باشد مجرا است.

مبحث اول - حقوق و تکالیف متصدی حمل و نقل

ماده ۱۱۲) متصدی حمل و نقل مکلف است کالا را به طور سالم به مقصد برساند. اگر کالا تلف یا گم شود، متصدی حمل و نقل مسؤول قیمت کالا در روز پرداخت و خسارات آن است، مگر اینکه ثابت کند تلف یا گم شدن کالا به جنس آن و یا تقصیر فرستنده و یا گیرنده منسوب است و یا ناشی از دستورات و یا اطلاعاتی بوده که یکی از آنها داده اند و یا به حوادث خارجی غیرقابل پیش بینی غیرقابل رفع مستند است. طرفین می توانند در قرارداد برای میزان خسارت، مبلغی بیشتر از قیمت کل کالا را معین کنند اما شرط تحدید خسارت به کمتر از قیمت کالا باطل است.

ماده ۱۱۳) اگر بسته بندی کالا عیب ظاهری داشته باشد و متصدی حمل و نقل نیز کالا را بدون قید عدم مسؤولیت قبول کند، مسؤول خسارت است.

ماده ۱۱۴) متصدی حمل و نقل مطابق این قانون مسؤول خساراتی است که در مدت حمل و نقل واقع می شود، اعم از اینکه خود مباشر حمل و نقل باشد یا متصدی حمل و نقل دیگری را مأمور کرده باشد. در صورت اخیر متصدی حمل و نقل حق رجوع به حمل کننده و یا متصدی حمل و نقل فرعی را دارد.

تبصره: متصدی حمل و نقل فرعی متصدی حمل و نقلی است که اجرای قرارداد حمل و نقل یا اجرای بخشی از آن توسط متصدی حمل و نقل اصلی به او واگذار شده است.

ماده ۱۱۵) در مورد خسارات ناشی از تأخیر تسلیم، عیب و یا نقص کالا، متصدی حمل و نقل در حدود ماده (۱۱۲) این قانون مسؤول است. میزان خسارات مذکور نباید از خسارات ناشی از تلف تمام کالا تجاوز کند، مگر اینکه در قرارداد، خلاف این ترتیب مقرر شده باشد.

تبصره ۱ - تأخیر در تسلیم هنگامی رخ میدهد که کالا در مدت یا تاریخ مورد توافق و در صورت فقدان چنین توافقی، در مدت متعارفی که با توجه به اوضاع و احوال از متصدی مواظب انتظار می رود یا قبل از آن، به گیرنده تسلیم نشده باشد.

تبصره ۲ - اگر از موعد تحویل کالا مطابق تبصره (۱) این ماده بیش از شصت روز سپری شده و کالا به گیرنده تحویل نشده باشد، مدعی خسارت میتواند آن را تلف یا گم شده فرض کند.

ماده ۱۱۶) چنانچه کالا بدون هیچ قیدی توسط گیرنده قبول و کرایه آن تأدیه شود، هیچ دعوی علیه متصدی حمل و نقل جز در مورد تدلیس و یا تقصیر سنگین پذیرفته نمی شود. با این حال، متصدی حمل و نقل مسؤول خسارات غیرظاهر است، مشروط بر اینکه گیرنده، آن خسارت را به فوریت پس از مشاهده به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد. این اطلاعیه باید حداکثر تا سی روز بعد از تحویل گرفتن کالا ارسال شود.

ماده ۱۱۷) متصدی حمل و نقل باید به محض رسیدن کالا به مقصد، گیرنده را مطلع کند.

ماده ۱۱۸) اگر گیرنده کالا را قبول نکند یا در دسترس نباشد و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت حمل کالا مطابق قرارداد تأدیه نشود، متصدی حمل و نقل باید مراتب را به فرستنده اطلاع دهد و کالا را به طور موقت نزد خود به عنوان امانت نگهدارد یا نزد ثالثی به امانت گذارد. در این موارد، هزینه های ناشی از این امر بر عهده فرستنده است و متصدی حمل و نقل مسؤول خسارات ناشی از نقص و عیب نیست، مگر آنکه تقصیر او ثابت شود.

ماده ۱۱۹) گیرنده ای که بدو از گرفتن کالا امتناع کرده است می تواند از متصدی حمل و نقل بخواهد که کالا را به وی تحویل دهد، مگر آنکه در این مدت فرستنده دستور مخالفی صادر کرده باشد.

ماده ۱۲۰) اگر فرستنده و یا گیرنده، در فروض موضوع ماده (۱۱۸) این قانون، در مدت مناسبی تکلیف کالا را معین نکنند یا هزینه‌هایی که برای کالا شده است از قیمت آن بیشتر شود، متصدی حمل و نقل می‌تواند و در صورتی منافع صاحب کالا اقتضاء می‌کند، مکلف است آن را از طریق مؤسسه حراجی بفروشد.

ماده ۱۲۱) اگر کالا در معرض ضایع شدن سریع باشد، متصدی حمل و نقل باید به فوریت کالا را از طریق مؤسسه حراجی بفروشد.

ماده ۱۲۲) مسؤولیت متصدی حمل و نقل کالا از لحظه ای شروع می‌شود که کالا در مبدأ حمل در اختیار او، نماینده یا قائم مقام وی قرار می‌گیرد و تا زمانی که در مقصد در اختیار گیرنده، نماینده یا قائم مقام وی قرار داده شود، ادامه دارد.

ماده ۱۲۳) مهلت اقامه دعاوی خسارت علیه متصدی حمل و نقل، جز در موارد تدلیس و تقصیر سنگین، یک سال است. مبدأ این مدت در مورد تلف یا گم شدن کالا یا تأخیر در تسلیم، روزی است که کالا باید در آن روز به گیرنده تسلیم می‌گردید و در مورد سایر خسارات وارد شده به کالا، روزی است که مال به گیرنده تسلیم شده است.

ماده ۱۲۴) متصدی حمل و نقل مسؤول جبران کلیه خسارات جانی مسافران است، مگر اینکه ثابت کند خسارت به خود مسافر و یا حوادث خارجی غیر قابل پیش بینی غیر قابل رفع مستند است. در مورد خسارات وارد شده بر کالاهای مسافران رعایت مواد (۱۱۲) تا (۱۱۶) و (۱۲۳) این قانون الزامی است.

مبحث دوم - حقوق و تکالیف فرستنده و گیرنده کالا

ماده ۱۲۵) فرستنده کالا باید موارد زیر را به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد:

- ۱- هویت و نشانی دقیق گیرنده
- ۲- نشانی دقیق محل تحویل کالا
- ۳- تعداد بسته‌ها و روش بسته‌بندی
- ۴- وزن و محتوای بسته‌ها
- ۵- زمان مقرر برای تسلیم کالا به گیرنده
- ۶- مسیر حمل کالا
- ۷- فهرست اشیای گران بها و قیمت آنها
- ۸- چنانچه کالا در طول مدت حمل نیاز به مراقبت مخصوص داشته باشد، مانند کالاهای خطرناک، آتشزا، تبخیر شونده، فاسد شدنی، خورنده و حیوانات، خطرات احتمالی ناشی از حمل و نیز دستورهای لازم برای نگهداری و حمل آنها.
- ۹- اسناد لازم برای حمل کالا در صورت اقتضا

ماده ۱۲۶) خسارات ناشی از عدم اطلاع موارد مذکور در ماده (۱۲۵) یا اطلاع رسانی نادرست آنها با رعایت موارد زیر بر عهده فرستنده است:

۱- در خصوص بند ۸ ماده (۱۲۵) اگر متصدی از خطرات حمل کالا مطلع بوده یا عرفاً باید مطلع باشد نمی‌تواند به عدم اطلاع رسانی فرستنده استناد نماید.

۲- اگر فرستنده مسیر معینی را برای حمل تعیین نکرده باشد متصدی حمل و نقل باید بهترین مسیر را انتخاب کند و در غیر این صورت و نیز در صورتی که خلاف مسیر معین شده را بپیماید مسئول خسارات وارده خواهد بود مگر آنکه اثبات نماید منافع فرستنده تغییر مسیر را ایجاب می‌نموده و در آن زمان امکان اخذ دستور جدید برایش مقدور نبوده است.

۳- چنانچه اسنادی برای حمل کالا لازم باشد، فرستنده مکلف است این اسناد را در اختیار متصدی قرار دهد. مسئولیت نقص اسناد مذکور یا عدم مطابقت آن با فرستنده است. با این حال اگر متصدی از نقص یا عدم مطابقت اسناد مذکور مطلع بوده یا عرفاً باید مطلع باشد نمی‌تواند به کامل نبودن یا اطلاع ندادن فرستنده استناد نماید.

ماده ۱۲۷) فرستنده باید کالا را به طرز مناسب بسته بندی کند و عهده دار خسارت ناشی از عیوب بسته بندی است، ولی خسارات ناشی از بارگیری، بارچینی و تخلیه نادرست برعهده متصدی حمل و نقل است.

ماده ۱۲۸) تا زمانی که کالا در تصرف متصدی حمل و نقل است، فرستنده می‌تواند آن را با پرداخت مخارج و خساراتی که متصدی حمل و نقل متحمل شده است، مسترد کند. همچنین تا زمانی که کالا در تصرف متصدی حمل و نقل است، فرستنده می‌تواند توقف حمل یا تغییر مقصد یا تغییر گیرنده کالا را دستور دهد، به شرطی که نسخه اول بارنامه که دربردارنده دستورهای جدید است به متصدی ارائه شده و هزینه دستورهای جدید نیز پرداخت یا تضمین گردد. در این صورت متصدی مکلف به رعایت دستورهای صادر شده است، مشروط بر اینکه امکان اجرای دستورهای مذکور وجود داشته باشد و لطمه‌ای به حقوق فرستندگان و گیرندگان سایر کالاهایی که با همان کالاهای دستوردهنده حمل می‌شوند نزنند و موجب تقسیم کالاهای نشود.

ماده ۱۲۹) در موارد زیر فرستنده نمی‌تواند از حق مذکور در ماده (۱۲۸) این قانون استفاده کند:

۱- بارنامه به گیرنده تسلیم شده باشد.

۲- متصدی حمل و نقل به فرستنده کالا رسیدی داده باشد و فرستنده نتواند آن را مسترد کند.

۳- در صورتی که متصدی حمل و نقل به گیرنده اعلام کرده باشد که کالا به مقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد.

۴- گیرنده، پس از رسیدن کالا به مقصد، تسلیم آن را تقاضا کرده باشد.

۵- در بارنامه قید شده باشد که حق در اختیار گرفتن کالا به گیرنده منتقل شده است.

ماده ۱۳۰) متصدی حمل و نقل در موارد مذکور در ماده (۱۲۹) این قانون باید مطابق دستور گیرنده عمل کند. با این حال در بند (۲) ماده مذکور، مادام که کالا به مقصد نرسیده است، متصدی حمل و نقل نباید از دستور گیرنده تبعیت کند، مگر اینکه رسید مذکور به گیرنده تسلیم شده باشد و گیرنده آن را به متصدی حمل ارایه کند. همچنین چنانچه گیرنده از گرفتن کالا امتناع ورزد، فرستنده بدون اینکه مجبور به ارائه نسخه اول بارنامه باشد، حق موضوع ماده (۱۲۸) را خواهد داشت. در این صورت گیرنده ای که از گرفتن کالا امتناع کرده است می‌تواند از متصدی بخواهد که کالا را تحویل وی دهد مگر آنکه در این مدت فرستنده دستور مخالفی صادر کرده باشد.

ماده ۱۳۱) اگر گیرنده میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت حمل کالا مطالبه می کند قبول نکند، حق ندارد تسلیم کالا را تقاضا کند، مگر اینکه مبلغ مورد اختلاف را تا ختم اختلاف در صندوق دادگستری تودیع کند. چنانچه مبلغ مطالبه شده نامتعارف باشد، دادگاه به تقاضای گیرنده بر اساس توافقات دو طرف، مقررات و یا عرف تجارتی مبلغ لازم التودیع را مشخص می کند.

ماده ۱۳۲) در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و گیرنده اختلافی باشد، دادگاه صالح می تواند به تقاضای یکی از طرفین دستور دهد که کالا تا ختم دادرسی نزد شخص ثالثی به امانت گذاشته یا در صورت ضرورت فروخته شود. تودیع یا فروش باید پس از تنظیم صورتمجلسی حاکی از وضع کالا و یا ضرورت فروش عند الاقتضاء انجام گیرد. با پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بابت کالا ادعا می شود یا سپردن آن به صندوق دادگستری می توان از فروش کالا جلوگیری کرد. چنانچه مبلغ مطالبه شده نامتعارف باشد، دادگاه به تقاضای گیرنده بر اساس توافقات دو طرف مبلغی را که تودیع آن لازم است، مشخص می کند.

مبحث سوم - بارنامه

ماده ۱۳۳) بارنامه سندی است که بنا بر تقاضای فرستنده توسط متصدی حمل و نقل یا نماینده او صادر می شود و بر مالکیت کالا برای دارنده آن، وجود قرار داد حمل و نقل، دریافت کالا توسط متصدی و تعهد وی مبنی بر تسلیم کالا در ازای دریافت آن، دلالت می کند.

ماده ۱۳۴) بارنامه، علاوه بر امضاء یا مهر و امضای متصدی حمل و نقل، حداقل باید حاوی اطلاعات ذیل باشد:

- ۱) عنوان «بارنامه»؛
- ۲) مکان و تاریخ صدور سند؛
- ۳) هویت فرستنده؛
- ۴) هویت متصدی حمل و نقل؛
- ۵) هویت گیرنده کالا، اگر بارنامه به نفع حامل نباشد؛
- ۶) مبدأ و مقصد کالا؛
- ۷) اطلاعات ویژه ای که کالای موضوع قرارداد را مشخص می کند مانند: وزن، حجم، کیفیت بسته بندی، تعداد بسته ها و هر اطلاع دیگری که برای تعیین ماهیت کالا و قیمت آن لازم است.
- ۸) تاریخ تحویل کالا یا مدتی که کالا باید در آن مدت تسلیم شود و تاریخ بارگیری؛
- ۹) اجرت حمل و نقل و هزینه های دیگر با بیان این که بر عهده فرستنده است یا گیرنده.
- ۱۰) شرایطی که در قرارداد حمل و نقل بیان شده است از قبیل شرایط ویژه بارگیری یا تخلیه؛ نوع وسیله انتخابی، مسیر تعیین شده، حدود مسئولیت ها و اعلام صریح خطرناک بودن کالا در موارد مقتضی؛
- ۱۱) وضعیت ظاهری کالا.

تبصره ۱- بارنامه به صورت الکترونیک صادر و یک نسخه چاپی از آن که به امضاء یا مهر و امضای صادرکننده رسیده است، به فرستنده تسلیم می شود. در صورت تعارض بین مفاد نسخه چاپی و نسخه الکترونیک، مفاد نسخه الکترونیک معتبر است.

تبصره ۲- عدم ذکر مفاد بند «۹» در بارنامه، اماره بر این است که اجرت و سایر هزینه‌ها بر عهده فرستنده است و متصدی حمل و نقل نمی‌تواند از شخص ثالث ناآگاهی که بارنامه به او انتقال یافته است، اجرت و سایر هزینه‌ها را مطالبه نماید.

تبصره ۳- وزارت راه و شهرسازی مکلف است سامانه متمرکزی برای صدور بارنامه الکترونیک به وسیله متصدیان حمل و نقل ایجاد کند، به نحوی که امکان استعلام اصالت بارنامه برای دریافت کنندگان نسخه چاپی آن فراهم باشد.

ماده ۱۳۵) بارنامه ممکن است به صورت «قابل انتقال» یا «غیر قابل انتقال» صادر شود. بارنامه قابل انتقال محسوب می شود، مگر آنکه خلاف آن در بارنامه تصریح شده باشد.

ماده ۱۳۶) بارنامه «قابل انتقال» بنابر تقاضای فرستنده ممکن است به حواله کرد شخص معین یا به نفع حامل صادر شود. در صورتی که بارنامه به حواله کرد شخص معین صادر شده باشد با امضای دارنده در ظهر بارنامه قابل انتقال است. بارنامه‌ای که به نفع حامل صادر شده باشد با قبض و اقباض قابل انتقال است.

ماده ۱۳۷) در بارنامه «غیر قابل انتقال» ذکر نام گیرنده الزامی است و نقل و انتقال آن مشمول این ماده نیست.

ماده ۱۳۸) در صورت انتقال بارنامه، متصدی حمل و نقل نمی‌تواند در برابر شخص ثالث ناآگاه از جمله گیرنده به عدم دریافت کالا و در خصوص بارنامه «بارگیری شده» به عدم بارگیری آن وفق بارنامه استناد نماید.

ماده ۱۳۹) فرستنده در برابر متصدی حمل و نقل مسئول اظهاراتی است که برای درج در بارنامه در مورد مشخصات کالا مانند جنس، وزن و تعداد آن ارائه کرده است. در هر صورت متصدی حمل و نقل نمی‌تواند در برابر شخص ثالث ناآگاه به خلاف واقع بودن اظهارات فرستنده استناد نماید.

ماده ۱۴۰) در صورتی که متصدی حمل و نقل یا نماینده او ظن قوی و موجه در خصوص عدم صحت اظهارات مذکور در بند «۷» ماده (۱۳۴) از سوی فرستنده، داشته باشد و به دلیل مواردی از قبیل بارگیری شدن یا نحوه بسته‌بندی کالا، امکان شناسایی یا تعیین وزن و سایر خصوصیات آن وجود نداشته باشد، متصدی حمل و نقل یا نماینده او باید مواردی را که ظن به عدم صحت آن دارد به همراه دلایل خود در بارنامه قید نماید. در این صورت متصدی حمل و نقل در برابر فرستنده و شخص ثالث مسئول خسارات ادعایی در خصوص موارد قید شده نخواهد بود. صدور بارنامه بدون هیچ قیدی، دلالت بر این دارد که کالا به نحو مذکور در بارنامه تحویل گرفته شده است.

ماده ۱۴۱) دریافت بارنامه از سوی فرستنده و عدم اعتراض به مفاد آن به معنای پذیرش موارد مندرج در آن است. در صورت پذیرش بارنامه از سوی فرستنده اگر شرایط بارنامه با شرایط قرارداد حمل و نقل مغایر باشد، شروط مندرج در بارنامه ملاک عمل خواهد بود.

ماده ۱۴۲) در صورتی که بارنامه صادر نشده باشد، فرستنده می‌تواند از متصدی حمل و نقل بخواهد رسیدی امضا شده مبنی بر دریافت کالای موضوع قرارداد حمل و نقل را به وی تحویل دهد. رسید مذکور دلالت بر وجود قرارداد حمل و نقل بین طرفین داشته و به هنگام صدور بارنامه باید به متصدی حمل یا نماینده او مسترد گردد.

ماده ۱۴۳) تاریخ صدور بارنامه به عنوان تاریخ حمل تلقی خواهد شد، مگر اینکه بارنامه شامل یادداشت بارگیری با درج تاریخ حمل باشد که در این صورت تاریخ درج شده در یادداشت بارگیری به عنوان تاریخ حمل تلقی خواهد شد. در صورتیکه صادرکننده بارنامه هنگام تنظیم بارنامه تاریخ آنرا مقدم بر تاریخ صدور بگذارد در مقابل تحویل گیرنده کالا مسئول کلیه خسارات وارده بعلت این تغییر تاریخ خواهد بود.

فصل ششم - قرارداد امانت گذاری در انبار عمومی

ماده ۱۴۴) امانت‌گذاری در انبار عمومی قراردادی است که به موجب آن انباردار تعهد می‌کند کالایی را در قبال صدور قبض انبار و قبض وثیقه تحویل گیرد و به حساب دارنده یا دارندگان اسناد مذکور نگهداری کند.

ماده ۱۴۵) قبض انبار و قبض وثیقه به صورت الکترونیک صادر و یک نسخه چاپی از هریک از آنها که به امضاء یا مهر و امضای صادرکننده رسیده است، به امانت‌گذار تسلیم می‌شود. قبض انبار و قبض وثیقه باید دارای شماره انحصاری باشد و نحوه صدور آن به موجب آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده (۱۷۷) این قانون تعیین خواهد شد.

ماده ۱۴۶) قبض انبار، علاوه بر امضاء یا مهر و امضای متصدی انبار عمومی، حداقل باید حاوی اطلاعات زیر باشد:

۱. عنوان "قبض انبار"؛
۲. هویت کامل امانت‌گذار؛
۳. هویت شخصی که قبض به نام وی به حواله کرد او صادر می‌شود؛
۴. نشانی کامل امانت‌گذار؛
۵. جنس، وصف، مقدار یا تعداد و ارزش کالا؛
۶. تاریخ تودیع کالا؛
۷. نام و نشانی انبار عمومی و هویت متصدی آن؛
۸. هویت و اقامتگاه شرکت بیمه‌گر انبار عمومی؛
۹. میزان پوشش بیمه‌ای کالای تودیع‌شده؛
۱۰. تأدیه یا عدم تأدیه حقوق دولتی؛
۱۱. اجرت انباردار، شیوه پرداخت و مسئول پرداخت آن.

ماده ۱۴۷) قبض وثیقه علاوه بر عنوان "قبض وثیقه" مشتمل بر موارد مذکور در بندهای (۲) تا (۱۰) ماده قبل است و باید به صورت الکترونیک به قبض انبار ضمیمه شود.

ماده ۱۴۸) صورت تعارض بین مفاد نسخه چاپی و نسخه الکترونیک، مفاد نسخه الکترونیک معتبر است.

ماده ۱۴۹) متصدی انبار عمومی مسؤول حفظ و نگهداری کالایی است که به وی سپرده شده است. اگر کالای تودیع‌شده تلف، گم یا ناقص شود، متصدی انبار عمومی مسؤول جبران خسارت به میزان ارزش اظهار شده در قبض انبار است، مگر این‌که ثابت کند ورود خسارت از حوادث خارجی غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل رفع ناشی شده و یا به عیوب بسته‌بندی خود کالا مربوط بوده است.

ماده ۱۵۰) چنانچه در کالای تودیع شده تغییراتی حاصل شود که نگهداری آن موجب افزایش هزینه نگهداری باشد، متصدی انبار مکلف است این امر را به مالک کالا اطلاع دهد.

ماده ۱۵۱) متصدی انبار مکلف است هرگونه ادعای اشخاص ثالث در خصوص مال به وثیقه گذاشته شده یا هرگونه توقیف قضایی آنها را به اطلاع و دیعه‌گذار برساند.

ماده ۱۵۲) اگر بسته‌بندی عیب ظاهر داشته و انبار عمومی کالا را بدون قید عدم مسؤولیت در قبض انبار و قبض وثیقه قبول کرده باشد، مسؤول خسارات است.

ماده ۱۵۳) متصدی انبار عمومی باید کالای تودیع شده را در قبال مفقود شدن، آتش سوزی، سرقت بیمه کند. در صورتی که کالاهای تودیع شده قبلاً بیمه شده باشد، متصدی انبار تکلیفی بر بیمه کردن کالاها ندارد مگر بعد از سپری شدن زمان بیمه مذکور یا در صورتی که این بیمه برای پوشش دادن ضررهای احتمالی ناکافی باشد.

ماده ۱۵۴) در صورتی که کالای تودیع شده تلف، گم یا ناقص شود، متصدی انبار عمومی، دارنده قبض انبار و قبض وثیقه نسبت به خسارات تأدیه شده از جمله خسارات تأدیه شده به وسیله بیمه همان حقوقی را خواهند داشت که نسبت به خود کالاها داشتند.

ماده ۱۵۵) اگر کالای تودیع شده در معرض تضییع سریع باشد و استیذان از دارنده قبض انبار مقدور نباشد، ماده (۱۲۱) این قانون لازم‌الرعايه است.

ماده ۱۵۶) متصدی انبار عمومی به میزان مطالبات خود از صاحب کالا بابت اجرت نگهداری کالا، نسبت به کالاهای تودیع شده در انبار و یا حاصل فروش کالا در موارد تعیین شده در این فصل، حق حبس دارد.

ماده ۱۵۷) تخلیه و بارگیری کالا در انبارهای عمومی بر عهده متصدی انبار است، مگر اینکه بر خلاف آن تصریح شده باشد. در هر صورت متصدی انبار مسؤول خساراتی خواهد بود که از چیدن نادرست کالاها در انبار وارد شود.

ماده ۱۵۸) متصدی انبار عمومی نمی‌تواند تحت هیچ عنوان، خواه به حساب خود یا به حساب دیگری، به فعالیت تجارتي بپردازد که موضوع آن کالاهایی از نوع همان کالایی باشد که وی مجاز به صدور قبض انبار و وثیقه برای آنهاست. در غیر اینصورت به محرومیت از صدور قبض انبار و قبض و وثیقه به مدت شش ماه تا دو سال و جزای نقدی درجه چهار محکوم می‌شود. شرکا و یا سهامداران شرکت متصدی انبار عمومی نیز که بیش از ده درصد سرمایه ثبت شده شرکت را دارند از انجام فعالیت تجارتي در همان موضوع ممنوع می‌باشند. در غیر اینصورت به محرومیت از ثبت نام در دفتر ثبت تجارتي و جزای نقدی درجه چهار محکوم می‌شود.

ماده ۱۵۹) متصدیان انبارهای عمومی مکلفند علاوه بر دفاتری که تنظیم و نگهداری آنها به موجب قوانین و مقررات ضروری است، دفتری الکترونیک را به ثبت کلیه کالاهایی که برای نگهداری در انبار عمومی تحویل می‌گیرند، اختصاص دهند. شماره قبض انبار و کلیه مندرجات آن باید به ترتیب تاریخ در این دفتر ثبت گردد. متصدی انبار عمومی باید امکان استعلام الکترونیک اصالت قبض انبار و قبض وثیقه‌ای را که صادر کرده است، برای متقاضی دریافت آن مطابق آیین نامه اجرای موضوع ماده (۱۷۷) این قانون فراهم نماید.

ماده ۱۶۰) وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است سامانه متمرکزی برای صدور قبض انبار و قبض وثیقه الکترونیک به وسیله متصدیان انبارهای عمومی ایجاد کند، به نحوی که امکان استعلام اصالت قبوض مذکور برای دریافت کنندگان نسخه چاپی آن فراهم باشد.

ماده ۱۶۱) امانت‌گذار باید جنس، نوع، مقدار یا تعداد، ارزش و سایر خصوصیات مؤثر در تعیین ماهیت کالا و نحوه بسته‌بندی کالای تودیع شده را به اطلاع متصدی انبار عمومی برساند.

ماده ۱۶۲) امانت‌گذار، دارنده برگ وثیقه و یا قائم مقام او حق دارد در هر زمان از ساعت کاری انبار، از وضعیت کالایی که در انبار به امانت گذاشته اطلاع حاصل کرده و نمونه‌ای از آن را بررسی نماید؛ مگر آنکه در این خصوص بین طرفین، توافق دیگری وجود داشته باشد.

ماده ۱۶۳) هرگاه کالای امانت گذاشته شده‌ای که قبض انبار و قبض وثیقه آن دریافت شده از اشیاء مثلی باشد، امانتگذار می‌تواند آن را با کالایی از همان نوع و با همان وصف که در قبض رسید و قبض وثیقه به آن‌ها تصریح شده عوض کند. در این صورت همه حقوق دارنده قبض انبار و قبض وثیقه و امتیازات آن‌ها به کالای جدید تعلق می‌گیرد.

ماده ۱۶۴) امانت‌گذار می‌تواند کالای خود را به مجموعه‌های متعدد تجزیه و برای هریک از مجموعه‌های مذکور قبض انبار و قبض وثیقه جداگانه درخواست کند. همچنین امانت‌گذار یا قائم مقام او می‌تواند با ارائه قبض انبار و قبض وثیقه و در صورت نبود قبض وثیقه با تودیع طلب و متفرعات احتمالی دارنده قبض وثیقه نزد صندوق انبار، قبض انبار و قبض وثیقه جدید در خصوص تمام یا بخشی از کالاها دریافت نماید.

ماده ۱۶۵) اگر دارنده قبض انبار کالا را بدون هیچ قیدی قبول و مخارج آن را تأدیه کند هیچ دعوایی علیه متصدی انبار عمومی جز در مورد تدلیس یا تقصیر سنگین پذیرفته نمی‌شود. با این حال، متصدی انبار عمومی مسؤول خسارات غیرظاهر است، مشروط بر اینکه گیرنده کالا پس از تسلیم کالا مراتب را فوراً به صورت کتبی به اطلاع متصدی انبار عمومی رسانده باشد. در هر حال این اطلاعیه باید حداکثر تا سی روز پس از تحویل گرفتن کالا ارسال شود. دعاوی خسارت علیه متصدی انبار عمومی حداکثر باید ظرف یکسال اقامه شود. در غیر این صورت مفاد این ماده در خصوص مسوولیت متصدی انبار عمومی مجرا نخواهد بود. موارد تدلیس و تقصیر سنگین مشمول مهلت مذکور نخواهد بود.

ماده ۱۶۶) قبض انبار حسب درخواست امانت‌گذار به نام و یا به حواله کرد او صادر می‌شود. شخصی که قبض انبار به نام و یا حواله کرد او صادر شده است می‌تواند کالای تودیع شده را با ظهرونیسی قبض انبار به دیگری واگذار کند، مگر آنکه قبض انبار به صراحت به صورت غیر قابل انتقال صادر شده باشد. ظهرونیسی قبض انبار با درج تاریخ و هویت منتقل‌الیه و امضای ظهرونیس و درج مراتب مربوط به انتقال یا عدم انتقال قبض وثیقه به همراه قبض انبار به عمل می‌آید. شخصی که قبض انبار به نفع وی ظهرونیسی شده است می‌تواند درخواست نماید که مفاد ظهرونیسی در دفتر انبار ثبت گردد.

تبصره: انتقال مالکیت کالا در هیچ مورد به حقوق کسی که قبض وثیقه به نفع او ظهرونیسی شده است لطمه‌ای نخواهد زد.

ماده ۱۶۷) صرفاً دارنده قبض وثیقه می‌تواند کالای تودیع شده را از طریق ظهرونیسی آن به وثیقه دهد. ظهرونیسی قبض وثیقه با درج تاریخ، هویت منتقل‌الیه و امضای ظهرونیس به عمل می‌آید. ظهرونیس می‌تواند مبلغی را که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته می‌شود، در قبض وثیقه درج نماید. در غیر این صورت، چنین فرض می‌شود که مبلغی که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته شده است با ارزش اظهار شده آن در قبض انبار و وثیقه برابر است.

ماده ۱۶۸) شخصی که قبض وثیقه برای اولین بار به نفع وی ظهرونیسی شده است باید با اظهار قبض مذکور درج مراتب در دفتر انبار عمومی و تأیید آن بر روی قبض را از متصدی انبار عمومی بخواهد. ایادی بعدی که قبض وثیقه به نفع آنان ظهرونیسی شده باشد می‌توانند درخواست نمایند که مفاد ظهرونیسی به همراه اقامتگاه ظهرونیس در دفتر انبار ثبت گردد.

ماده ۱۶۹) کسی که قبض انبار یا قبض وثیقه به نفع وی ظهرونیسی شده باشد می‌تواند درخواست نماید که مفاد ظهرونیسی به همراه اقامتگاه ظهرونیس در دفتر انبار ثبت گردد.

ماده ۱۷۰) دارنده قبض انباری که قبض وثیقه همان قبض در تصرف وی نیست می تواند تمام یا بخشی از کالا را مسترد کند، مشروط بر آنکه مبلغی را که قبض وثیقه بابت آن به وثیقه گذارده شده و نزد انباردار به ثبت رسیده است نزد صندوق انبار تودیع کند.

ماده ۱۷۱) هرگاه قبض انبار بدون قبض وثیقه به متصدی انبار عمومی ارایه شود و وثیقه بودن کالا در دفاتر انبار عمومی یا قبض انبار ثبت نشده باشد، متصدی انبار عمومی باید تقاضای استرداد کالا را در دفاتر انبار ثبت کرده و به هزینه متقاضی در روزنامه کثیرالانتشار و سامانه الکترونیک انبار عمومی منتشر نماید. اگر قبض وثیقه تا سی روز پس از انتشار به متصدی انبار عمومی ارایه نشود، وی باید کالا را به دارنده قبض انبار مسترد کند. در این صورت متصدی انبار عمومی و دارنده ناآگاه قبض انبار مسؤولیتی در مقابل ارایه کننده قبض وثیقه نخواهند داشت.

ماده ۱۷۲) چنانچه طلبی که کالای تودیع شده در قبال آن به وثیقه گذاشته شده است در موعد مقرر پرداخت نشود، دارنده قبض وثیقه می تواند از طریق مؤسسه حراجی کالای تودیع شده را بفروشد، مشروط بر آنکه مراتب نخستین ظهنویسی قبض وثیقه طبق صدر ماده (۱۶۸) این قانون ثبت شده باشد. دارنده قبض وثیقه برای وصول طلب خود از محل حاصل فروش پس از کسر حقوق دولتی احتمالی و هزینه های انبارداری و فروش بر سایر بستان کاران مقدم است.

ماده ۱۷۳) هرگاه قیمت فروش وثیقه پس از کسر مخارج از مبلغی که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته شده است کم تر شود، وی می تواند برای وصول ما به التفاوت به هریک از ظهنویسان قبض وثیقه رجوع کند، مشروط بر آن که حداکثر ظرف سی روز از زمان سررسید طلب فروش کالای تودیع شده را تقاضا کرده و از فروش آن بیش از پانزده روز سپری نشده باشد. در صورت عدم رعایت مواعد مذکور، حق رجوع به ظهنویسان را نخواهد داشت و فقط می تواند به يد ماقبل خود رجوع نماید.

ماده ۱۷۴) اگر قیمت فروش وثیقه پس از کسر مخارج بیش از مبلغی شود که کالا از بابت آن به وثیقه گذاشته شده است، مازاد توسط مؤسسه حراجی به دارنده قبض انبار تسلیم می شود و در صورتی که وی به هنگام فروش کالا حاضر نباشد، مبلغ مذکور در صندوق انبار تودیع خواهد شد.

ماده ۱۷۵) اگر امانت گذار یا قائم مقامان وی پس از انقضاء مدت امانت گذاری به استرداد کالای تودیع شده اقدام نکنند، متصدی انبار عمومی می تواند آن را از طریق مؤسسه حراجی به فروش رساند. در صورتی که قرارداد امانت گذاری فاقد مدت باشد، پس از گذشت یک سال از تسلیم کالای تودیع شده ترتیب مذکور قابل اجراء است، مگر این که دارنده قبض انبار قبل از انقضاء یک سال، استرداد کالا یا تجدید قرارداد امانت گذاری را از متصدی انبار عمومی بخواهد یا در قرارداد به نحو دیگری مقرر شده باشد. در مورد فروش کالای سریع الفساد ترتیب مقرر در ماده (۱۲۱) این قانون مجرا خواهد بود.

ماده ۱۷۶) شخصی که قبض انبار یا قبض وثیقه او تلف، گم یا غیرقابل استفاده شود، می تواند الزام متصدی انبار عمومی به صدور نسخه المثالی قبض انبار و یا قبض وثیقه را به موجب دادخواست از دادگاه محل انبار عمومی تقاضا نماید. دادگاه متقاضی را مکلف خواهد کرد تا موضوع را در دو نوبت در روزنامه کثیرالانتشار به فاصله ده روز منتشر نماید. اگر تا ظرف ده روز از انتشار آگهی دوم اعتراضی صورت نگیرد، دادگاه پس از احراز صحت ادعای متقاضی و دریافت ضامن معتبر یا وثیقه، حکم به صدور نسخه المثالی خواهد نمود. اگر بعد از گذشت یک سال از سررسید امانت و چنانچه امانت گذاری بدون مدت باشد دو سال از تاریخ امانت گذاری، کسی برای بازپس گیری کالا اقدام نکرد، ذمه ضامن بری یا وثیقه آزاد می شود.

ماده ۱۷۷) تأسیس و بهره‌برداری از انبارهای عمومی موضوع این فصل به کسب مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت منوط است. شرایط صدور مجوز و نظارت بر انبارهای عمومی به موجب آئین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه به وسیله وزارت مذکور تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۷۸) کلیه انبارهایی که به عنوان انبار عمومی فعالیت می‌کنند مکلفند ظرف شش ماه پس از ابلاغ آیین‌نامه مذکور در ماده قبل به اخذ مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت اقدام کنند یا وضع خود را با مقررات آن تطبیق دهند. پس از انقضای مهلت مذکور تأسیس و یا بهره‌برداری از انبارهای عمومی بر خلاف مقررات این قانون ممنوع و متخلف به جزای نقدی معادل نصف قیمت کالاهایی که در انبار نگهداری می‌کند محکوم می‌شود. دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم محکومیت، دستور تعطیلی انبار و تودیع کالاهای موجود در آن در یکی از انبارهای دارای مجوز فعالیت یا استرداد آنها به صاحبان کالاها را صادر کند. به علاوه رأی دادگاه که متضمن تعیین انباردار جدید است باید در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شود.

فصل هفتم - وثیقه تجارتي

ماده ۱۷۹) از بابت هر دین یا تعهد می‌توان وثیقه گرفت.

ماده ۱۸۰) شخص ثالث می‌تواند مال خویش را وثیقه دین یا تعهد دیگری قرار دهد.

ماده ۱۸۱) وثیقه از دین یا تعهدی صحیح است که موجود یا سبب آن ایجاد شده باشد.

ماده ۱۸۲) وثیقه‌گذار باید به محض انعقاد عقد مال مورد وثیقه را به وثیقه‌پذیر تسلیم کند، مگر آنکه به نحو دیگری توافق شده باشد. در مورد اموالی که دارای سند رسمی است وثیقه‌پذیر صرفاً می‌تواند الزام وثیقه‌گذار به تنظیم سند رسمی وثیقه را از دادگاه بخواهد، مگر این که تسلیم مادی آن مال نیز شرط شده باشد.

ماده ۱۸۳) علم به جنس، وصف و مقدار مالی که به وثیقه گذاشته می‌شود و علم به مقدار، اوصاف و شرایط دینی که وثیقه در مقابل آن اخذ می‌شود شرط صحت عقد نیست.

ماده ۱۸۴) هر مال منقول یا در حکم منقولی مانند مطالبات، ورقه اختراع و حق سرقتی می‌تواند مورد وثیقه قرار گیرد، مشروط بر این که قابل واگذاری به غیر باشد.

تبصره - مقررات این فصل شامل رهن اموال غیر منقول ذاتی نخواهد بود.

ماده ۱۸۵) وثیقه در مقابل کل طلب و متفرعات آن محسوب است، مگر بر خلاف آن شرط شده باشد. هر گاه ثالثی مال خود را به عنوان وثیقه داده باشد، توقف تعلق متفرعات طلب به دین اصلی موجب توقف تعلق متفرعات بر مال مورد وثیقه نیز خواهد بود.

ماده ۱۸۶) در صورت تسلیم وثیقه به وثیقه‌پذیر، وی به درخواست وثیقه‌گذار باید به او رسیدی دهد که در آن ماهیت چیزی که به وثیقه گذاشته شده است و نوع و مقدار و دیگر صفات مشخص‌کننده آن بیان شده باشد.

ماده ۱۸۷) اگر چند مال از بابت یک دین یا تعهد به وثیقه گذاشته شده باشد، حق تعیین مالی که به فروش گذاشته می‌شود از آن وثیقه‌پذیر است، مگر این که به گونه دیگری توافق شده باشد.

ماده ۱۸۸) هرگاه مالی مثلی به وثیقه گذاشته شود، وثیقه‌گذار می‌تواند مال مورد وثیقه را با مالی دیگر از همان نوع عوض کند. در صورتی که مال قیمی باشد، وثیقه‌گذار با رضایت وثیقه‌پذیر می‌تواند مال مورد وثیقه را عوض کند.

ماده ۱۸۹) هر توافقی که به وثیقه‌پذیر حق دهد در صورت عدم پرداخت دین در سررسید آن مال وثیقه را بدون رعایت تشریفات مقرر در این قانون بفروشد یا تملک کند، باطل است.

ماده ۱۹۰) در مورد اموال دارای سند رسمی، چنانچه وثیقه بودن مال به طور رسمی به ثبت نرسد وثیقه در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. وثیقه‌گذاری اسناد با نام از قبیل اوراق سهام و قبوض وثیقه، علاوه بر ظهرنویسی، باید در دفتری که اسناد مذکور در آن به ثبت رسیده ثبت و تأییدیه ثبت در دفاتر مذکور بر روی سند منعکس گردد و الا وثیقه در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. در خصوص وثیقه‌گذاری سایر اموال، قرارداد وثیقه باید در سامانه‌ای متمرکز نزد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که به این منظور ایجاد می‌شود به ثبت برسد و مراتب در وثیقه بودن مال، جنس، وصف و مقدار آن برای عموم قابل دسترس باشد. ثبت قرارداد وثیقه در سامانه مذکور بر عهده وثیقه‌گذار است. پس از ایجاد این سامانه وثیقه بدون ثبت در سامانه مذکور در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. نحوه اجرای این ماده به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به وسیله سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه و ظرف یکسال پس از لازم الاجرا شدن این قانون به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد.

تبصره: وثیقه‌گذاری اسناد براتی (برات، سفته و چک) مشمول مقررات این فصل نیست.

ماده ۱۹۱) حقوق کارگران تا سقف پنج برابر حداقل حقوق هر سال بر هر طلب موثقی مقدم است.

ماده ۱۹۲) هرگاه مال مورد وثیقه مستحق للغیر درآید و مالک عقد را تنفیذ نکند، وثیقه‌پذیر می‌تواند تسلیم بدل مال مذکور را به عنوان وثیقه از طرف دیگر درخواست کند. اگر تسلیم بدل به هر نحوی ممکن نشود، دین حال می‌شود.

ماده ۱۹۳) موارد سکوت این فصل بر مقررات قانون مدنی در باب رهن محمول است.

ماده ۱۹۴) در صورت عدم تأدیه دین تا سی روز پس از سررسید، وثیقه‌پذیر می‌تواند مال مورد وثیقه را از طریق موسسه حراجی به فروش رساند.

فصل هشتم - معامله از طریق حراجی

ماده ۱۹۵) حراجی عبارت است از عرضه مال با قیمت پایه مشخص و فروش آن به بالاترین قیمت پیشنهادی به صورت حضوری و یا برخط.

ماده ۱۹۶) مؤسسه حراجی شرکتی تجارتي است که اموال منقول اشخاص را از طریق حراجی به فروش می‌رساند.

ماده ۱۹۷) تأسیس و بهره‌برداری از مؤسسات حراجی موضوع این فصل و هرگونه اشتغال به عملیات حراجی به کسب مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت منوط است. شرایط صدور مجوز و نحوه نظارت، نحوه فعالیت و برگزاری جلسه حراجی و همچنین تعرفه اجرت مؤسسه حراجی به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه به‌وسیله وزارت مذکور تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۹۸) مؤسسه حراجی مکلف است علاوه بر دفاتر قانونی دفتر الکترونیک دیگری به نام دفتر حراجی داشته باشد. در این دفتر هویت متقاضیان فروش اموال، نوع اموال، تصویر اسناد ارائه شده برای اثبات مالکیت یا استحقاق متقاضی، آگهی ارائه شده در خصوص فروش، نتیجه برگزاری عملیات حراجی و هویت خریدار در صورت فروش کالاها، به ترتیب وقوع و مطابق آیین نامه موضوع ماده (۱۹۷) در آن ثبت و ضبط شود.

ماده ۱۹۹) مؤسسه حراجی، مدیر یا مدیران و کارکنان آن، اقربای نسبی درجه اول و دوم از طبقات اول و دوم و اقربای سببی درجه اول و دوم آنان، اشخاص حقوقی که مؤسسه حراجی بیش از پنج درصد سهم آن را دارا باشد و اشخاصی که بیش از پنج درصد سرمایه مؤسسه حراجی را دارا باشند، به شکل مستقیم یا غیر مستقیم، حق شرکت در مزایده کالاهای به فروش گذاشته شده از طریق مؤسسه حراجی را ندارند. در غیر این صورت، مؤسسه حراجی علاوه بر لغو مجوز به جزای نقدی به میزان مال خریداری شده محکوم خواهد شد. کلیه معاملات موضوع این ماده باطل است.

ماده ۲۰۰) مؤسسه حراجی قبل از دریافت مال یا استیلاء بر آن به نحوی که قابل تسلیم به خریدار باشد، حق اجرای تشریفات حراجی و فروش آن را ندارد. همچنین مؤسسه حراجی باید در حدود متعارف اطمینان حاصل نماید که طبق اسناد ارائه شده از سوی متقاضی از قبیل سند مالکیت، فاکتور خرید، سند وثیقه، بارنامه، قبض انبار و قبض وثیقه و نیز استعلام از مراجع ذی ربط عنداقتضاء مانع قانونی بر انتقال مال وجود ندارد. در هر حال، استعلام از سامانه موضوع ماده (۱۹۰) ضروری است. در صورت تخلف مؤسسه حراجی از مقررات این ماده، وی مسئول خسارات وارد شده خواهد بود.

ماده ۲۰۱) تعیین قیمت پایه در صورتی که مالک مال متقاضی فروش باشد با توافق او تعیین خواهد شد. در مواردی که در این قانون فروش مال به مؤسسه حراجی ارجاع شده است، تعیین قیمت پایه برعهده مؤسسه حراجی است. در این خصوص، مؤسسه حراجی تکالیف و مسؤولیت کارشناس رسمی دادگستری را خواهد داشت.

ماده ۲۰۲) مؤسسه حراجی مبلغ حاصل از فروش را پس از کسر هزینه حراجی و سایر هزینه هایی که حسب مورد در قانون پیش بینی شده است، با رعایت ماده (۲۱۸) این قانون به ذی نفع پرداخت و قبض رسید آن را اخذ می کند. در صورتی که نقل و انتقال اموال مشمول مالیات باشد، مؤسسه حراجی قبل از پرداخت مبلغ نسبت به کسر آن اقدام خواهد کرد در غیر این صورت مسئول پرداخت خواهد بود.

ماده ۲۰۳) در موارد زیر مؤسسه حراجی در مقابل ذی نفع مسئول پرداخت خسارات است:

- ۱- فروش در غیر روز و ساعت معین یا در غیر محلی که به موجب آگهی تعیین گردیده به عمل آید.
 - ۲- مؤسسه حراجی بدون جهت قانونی مانع خرید کسی شود و یا بالاترین قیمتی را که خواسته است رد نماید.
 - ۳- در مواردی که اطلاع یا اذن دادستان ضروری است کالا را بدون اطلاع دادستان یا اذن او بفروش برساند.
 - ۴ خریدار طبق ماده (۱۹۹) ممنوع از خرید بوده باشد.
 - ۵ تعیین قیمت پایه به میزان نامتعارفی کمتر از قیمت متعارف در مواردی که تعیین قیمت بر عهده مؤسسه حراجی باشد.
 - ۶ مؤسسه حراجی با دیگران برای اخلال در عملیات حراجی به هر نحو تبانی کرده باشد.
- ماده ۲۰۴)** مؤسسه حراجی نمی تواند از فروش اموالی که طبق قوانین و مقررات فروش آن به مؤسسه حراجی ارجاع شده است خودداری نماید. در صورت تخلف، مجوز فعالیت مؤسسه لغو و مؤسسه حراجی تا سه سال از ثبت خود در دفتر ثبت تجارتي ممنوع می باشد.

ماده ۲۰۵) در شهرستان‌هایی که موسسه حراجی تشکیل نشده و حسب قوانین و مقررات فروش به موسسه حراجی ارجاع گردیده است، متقاضی حراج می تواند فروش کالا را از واحد اجرای ثبت اسناد و املاک مستقر در محل درخواست نماید. در این موارد، واحد اجرای ثبت با رعایت مقررات و تشریفات بیان شده در این فصل کالاها را خواهد فروخت.

ماده ۲۰۶) در خصوص اموال منقولی که فروش آن طبق این قانون به مؤسسات حراجی ارجاع شده است، رعایت تشریفات و احکام مقرر شده در مواد (۲۰۷) تا (۲۲۰) این فصل ضروری است.

ماده ۲۰۷) قبل از انجام هر گونه حراجی، آگهی فروش باید در روزنامه‌ای که آگهی‌های موسسه حراجی در آن قید می‌شود و یا سامانه الکترونیک موسسه حراجی، و نیز سامانه یکپارچه حراجی منتشر شود. همچنین آگهی حراجی باید در موسسه حراجی به نحوی که در دید عموم باشد، تا اتمام عمیات حراجی الصاق گردد. آگهی مذکور باید حاوی اطلاعات زیر باشد:

۱- مشخصات موسسه حراجی؛

۲- نوع مال موضوع حراجی و توصیف اجمالی آن؛

۳- روز و محل و ساعت شروع حراجی؛

۴- قیمتی که حراجی از آن شروع می‌شود.

تبصره: وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است حداکثر ظرف یکسال از لازم الاجرا شدن این قانون، با راه اندازی سامانه یکپارچه حراجی، امکان ثبت آگهی های حراج موضوع این ماده را به نحوی که اطلاعات آن به شکل روزآمد برای عموم قابل دسترسی باشد فراهم نماید. آگهی های مندرج در سامانه باید تا اتمام عملیات حراجی بر روی سامانه قابل دسترس باشد.

ماده ۲۰۸) فاصله انتشار آگهی تا روز حراج نباید از پانزده روز کمتر و از یک ماه بیشتر باشد. چنانچه افراد مالک یا متقاضی مایل به تبلیغ بیشتری برای اموال مورد حراج باشند با نظارت موسسه حراجی می‌توانند به هزینه خود در جراید و غیره آگهی نمایند. در صورت اخیر، مفاد آگهی‌های انجام شده نباید متفاوت با آگهی منتشر شده از سوی موسسه حراجی باشد.

ماده ۲۰۹) موسسه حراج مکلف است قبل از فروش مال از طریق حراجی مراقبت کامل نماید که تشریفات لازم به ویژه مندرجات آگهی طبق مقررات صحیحاً انجام شده باشد. در هر صورت، عدم رعایت تشریفات موجب ابطال عملیات حراج نیست، مگر این که وجود تبانی بین موسسه حراجی و خریدار محرز گردد. مسئولیت خسارات ناشی از عدم رعایت تشریفات مقرر بر عهده موسسه حراجی و خریدار با سوءنیت خواهد بود.

ماده ۲۱۰) حراج باید در محل موسسه حراجی صورت گیرد. در صورت تراضی بین مالک و متقاضی فروش، می‌توان محل دیگری برای حراجی تعیین نمود.

ماده ۲۱۱) حراج اموال فاسدشدنی، حیوانات، طیور و اموالی که دارای قیمت بازاری یا بورسی هستند، می تواند بدون رعایت تشریفات، در محل وقوع اموال و با اطلاع دادستان یا نماینده او به عمل آید.

ماده ۲۱۲) حراجی به نحو حضوری و یا بر خط است و در یک جلسه و در وقت اداری برگزار می‌شود. شرکت در عملیات حراجی برای عموم آزاد است. موسسه حراجی مکلف است پنج روز قبل از تاریخ تعیین شده برای فروش مال، آن را به نحو مناسب و متعارفی به رؤیت مشتریان که مراجعه می‌کنند برساند. درخواست مالک یا متقاضی حراجی برای تقدم و تأخر در فروش اموال موضوع حراجی پذیرفته می‌شود.

ماده ۲۱۳) فروش از طریق مؤسسه حراجی به صورت نقدی است. شخصی که در نتیجه ارائه پیشنهاد بالاترین قیمت خریدار واقع می‌شود باید تمام قیمت را نقداً تسلیم کند. اگر خریدار از پرداخت وجه خودداری نماید یا تقاضای فروش نسبه کند و ذی نفع فروش نسبه را قبول نکند، مال با رعایت تشریفات مقرر مجدداً به حراج گذارده می‌شود. در این صورت متقاضی می‌تواند برای هزینه حراج مجدد به مستنکف رجوع کند. به علاوه چنانچه مال به قیمت پایین‌تری به فروش رسد، خریدار مستنکف، مسئول تفاوت خواهد بود و در صورت عدم فروخته شدن مال مبلغ یک دهم پیشنهادی به عنوان مجازات در حق ذی نفع از مستنکف قابل وصول است. در مواردی که فروش مال به جهت تسویه دین باشد متقاضی حراجی صرفاً می‌تواند در حدود طلب خود فروش به وعده را اجازه دهد.

ماده ۲۱۴) در خصوص اموال سریع‌الفساد یا اموالی که نگهداری آن هزینه نامتناسبی تحمیل می‌کند و یا در صورتی که مصلحت صاحب کالا چنین اقتضا نماید و دسترسی به صاحب کالا در موارد مذکور وجود نداشته باشد، هرگاه امکان فروش نقدی وجود نداشته باشد، با اجازه دادستان یا نماینده او می‌توان پرداخت بهای اموال را به وعده قرار داد.

تبصره - اموال مذکور در این ماده در صورت اذن دادستان مشمول ممنوعیت ماده (۱۹۹) نخواهد بود.

ماده ۲۱۵) هزینه حراج بر عهده متقاضی است. متقاضی می‌تواند پس از فروش مال هزینه‌های پرداخت شده را از عواید ناشی از فروش بردارد.

ماده ۲۱۶) اگر مال مورد حراج به فروش نرسد، متقاضی می‌تواند مجدداً تقاضای حراج کند. حراج‌های بعدی نیز تابع تشریفات مقرر در این قانون خواهد بود، لکن متقاضی نمی‌تواند هزینه بیش از دوبار حراج را از محل فروش مال مطالبه کند.

ماده ۲۱۷) در مواردی که فروش مال برای وصول طلب است، چنانچه در حراجی دوم نیز مال به فروش نرسد، متقاضی می‌تواند مال مورد حراجی را به قیمتی که ارزیابی شده است، قبول نماید.

ماده ۲۱۸) مؤسسه حراجی پس از فروش مال، طلب متقاضی و هزینه‌های حراج را از محل حاصل فروش به متقاضی پرداخت می‌کند و چنانچه مبلغ اضافه‌ای باقی بماند، آن را به مالک و در صورت عدم حضور مالک یا عدم احراز مالکیت وی در حساب مربوط به صندوق مؤسسه حراجی نزد یکی از بانکهای مجاز دولتی به نام ذی نفع، به صورت کوتاه مدت تودیع و مراتب را به وی اطلاع می‌دهد.

ماده ۲۱۹) دادستان یا نمایندگان او می‌توانند در هر زمان با حضور در مؤسسات حراجی از جزییات اقدامات مؤسسه در خصوص هر یک از معاملات و عملیات‌های حراجی کسب اطلاع کنند. این امر نباید موجب اخلال در روند عادی فعالیت مؤسسه حراجی گردد.

ماده ۲۲۰) در مواردی که حسب قوانین و مقررات فروش به مؤسسه حراجی ارجاع گردیده است، مؤسسه حراجی باید پنج روز قبل از فروش و فوراً پس از فروش به نحو مقتضی مراتب را به اطلاع مالک برساند. متقاضی فروش باید اطلاعات مربوط به مالک را طبق مستندات موجود به مؤسسه حراجی اعلام نماید.

فصل نهم - اجاره به شرط تملیک (لیزینگ)

ماده ۲۲۱) قرارداد اجاره به شرط تملیک (لیزینگ) قراردادی است که طبق آن شخصی مال متعلق به خود یا مالی را که طبق قرارداد تأمین به او واگذار شده است به دیگری اجاره می‌دهد، به نحوی که در پایان مدت اجاره یا هر زمان که شروط مندرج در قرارداد تحقق یابد، مستأجر مورد اجاره را مالک گردد.

تبصره ۱: قرارداد تأمین قراردادی است که به موجب آن شخصی مالی را از شخص دیگری که تأمین کننده نام دارد، به قصد اجاره دادن آن به شرط تملیک خریداری کرده است.

تبصره ۲: هر قرارداد دیگری نیز که متضمن نتیجه اجاره به شرط تملیک باشد، تابع مقررات این فصل است، اگرچه عنوان آن اجاره به شرط تملیک نباشد.

ماده ۲۲۲) اشتغال به عملیات لیزینگ منوط به کسب مجوز از بانک مرکزی است.

ماده ۲۲۳) قرارداد اجاره به شرط تملیک بدون تأمین کننده فرض می شود، مگر این که ثابت شود موجر مورد اجاره را از تأمین کننده خریداری کرده است.

ماده ۲۲۴) چنانچه موجر مال را طبق قرارداد تأمین تهیه کرده باشد، این موضوع باید در سند مالکیت آن مال درج گردد. همچنین هر مالی که موجر در خصوص آن قرارداد اجاره به شرط تملیک منعقد می کند این موضوع باید در سند مالکیت آن مال درج گردد.

ماده ۲۲۵) قرارداد اجاره به شرط تملیک، حداقل باید شامل موارد زیر باشد:

۱- هویت موجر؛

۲- هویت مستأجر؛

۳- هویت تأمین کننده در صورت وجود؛

۴- مشخصات مال مورد اجاره؛

۵- مدت قرارداد؛

۶- مبلغ اجاره و شیوه پرداخت آن.

ماده ۲۲۶) تعیین مدت قرارداد برعهده طرفین است، لکن این مدت نمی تواند از ۳۰ درصد عمر متعارف موضوع قرارداد کمتر باشد. در غیر این صورت، دادگاه، به درخواست مستأجر، مدت قرارداد را تا حداقل مذکور در این ماده افزایش می دهد و اجاره بها را متناسب با آن تعیین می نماید.

ماده ۲۲۷) کلیه تعهداتی که تأمین کننده طبق قرارداد تأمین در مقابل خریدار بر عهده گرفته است، در صورت انعقاد قرارداد اجاره به شرط تملیک، از سوی مستأجر نیز قابل مطالبه است. موجر مکلف است یک نسخه از قرارداد تأمین را به ضمیمه قرارداد اجاره به شرط تملیک به مستأجر تحویل دهد.

ماده ۲۲۸) پس از انعقاد قرارداد اجاره به شرط تملیک، موجر و تأمین کننده نمی توانند مفادی از قرارداد تأمین را که با حقوق مستأجر در ارتباط است تغییر دهند، مگر با رضایت مستأجر.

ماده ۲۲۹) هزینه های تعمیر و نگهداری و همچنین انجام تکالیفی که طبق قوانین و مقررات مربوط به اجاره بر عهده موجر می باشد، در قرارداد اجاره به شرط تملیک بر عهده مستأجر خواهد بود.

ماده ۲۳۰) قبول مال زمانی صورت می گیرد که مستأجر انطباق مال با قرارداد را به موجر اطلاع دهد یا پس از داشتن فرصتی مناسب برای آزمایش آن را رد ننماید.

تبصره - هرگونه شرطی که تشخیص تخلف از مفاد قرارداد یا انطباق مورد اجاره با شرایط مورد توافق را عهده موجر یا تأمین‌کننده یا اشخاص ثالث تعیین شده از سوی آنان قرار دهد، باطل است.

ماده ۲۳۱) حقوق قراردادی موجر بدون رضایت مستأجر قابل انتقال به غیر است. در صورت انتقال حقوق مزبور، مستأجر می‌تواند به هر آنچه که می‌توانست علیه موجر تمسک کند علیه منتقل‌آلیه نیز استناد کند. تصرفات موجر در حدی که با حق مستأجر منافات داشته باشد باطل است.

ماده ۲۳۲) تعهدات موجر قابل واگذاری نیست، مگر با رضایت مستأجر. معذالک مستأجر نمی‌تواند در مواردی که انتقال موجب ورود ضرر به او نیست یا نفع متعارفی از عدم انتقال عاید او نمی‌شود، با این انتقال مخالفت نماید.

ماده ۲۳۳) حقوق و تعهدات قراردادی مستأجر قابل انتقال به غیر نیست، مگر با رضایت موجر و رعایت حقوق اشخاص ثالث. موجر نمی‌تواند در مواردی که انتقال موجب ورود ضرر به او نیست یا نفع متعارفی از عدم انتقال عاید او نمی‌شود، با این انتقال مخالفت نماید.

ماده ۲۳۴) هریک از موجر و تأمین‌کننده در برابر مستأجر مستقلاً مسئول ضمان درک کل مال مورد اجاره هستند.

ماده ۲۳۵) مستأجر باید از مورد اجاره به نحو متعارفی بهره‌برداری نماید. چنانچه طبق قرارداد دستورالعمل خاصی برای نگهداری مال تعیین شده باشد، مستأجر مکلف است طبق دستورالعمل مذکور عمل نماید. در هر صورت دستورالعمل توافق شده برای نگهداری نمی‌تواند غیر متعارف باشد و در صورت غیر متعارف بودن این دستورالعمل، معیار تخلف مستأجر از نگهداری مال عرف است.

ماده ۲۳۶) وجه التزام تأخیر یا عدم اجرای تعهد، خسارت تأخیر، جریمه دیرکرد یا هر عنوان دیگری که برای دریافت خسارت از مستأجر در قرارداد پیش بینی می‌شود و میزان مبلغ پیش پرداخت مستأجر نمی‌تواند از سقف نرخ‌هایی که به پیشنهاد بانک مرکزی و تصویب شورای پول و اعتبار به این منظور تعیین می‌شود بیشتر باشد. هرگونه توافقی بیشتر از نرخ‌های اعلام شده باطل است، ولی موجب بطلان قرارداد نمی‌شود.

ماده ۲۳۷) مستأجر مکلف است مطابق قرارداد نسبت به پرداخت اقساط اقدام نماید. چنانچه در طول مدت اجاره مستأجر چهار قسط متوالی را نپردازد، موجر حق فسخ قرارداد را دارد. هر توافقی که در این مورد شرایط سخت‌گیرانه تری را مقرر کند، باطل است، ولی موجب بطلان قرارداد نمی‌شود.

تبصره: چنانچه عدم پرداخت اقساط به دلیل حادثه غیر قابل پیش بینی غیر قابل رفع باشد، مدت بروز حادثه مذکور به مهلت مذکور در این ماده اضافه می‌گردد.

ماده ۲۳۸) موجر می‌تواند در قرارداد امکان بازرسی و بازدید از مورد اجاره را شرط نماید، لکن این شرط نباید با استفاده متعارف مستأجر در تعارض بوده یا تکالیف غیر متعارفی را بر او تحمیل نماید. هزینه بازرسی و بازدید از مورد اجاره بر عهده موجر خواهد بود.

ماده ۲۳۹) مستأجر مکلف است هرگونه اتفاقی را که منجر به کاهش شدید ارزش مورد اجاره شده است، در مدت سی روز به موجر اطلاع دهد.

ماده ۲۴۰) در پایان مدت اجاره، موجر مکلف است نسبت به تنظیم اسناد مالکیت مورد اجاره به نام مستأجر یا شخصی که او معرفی می‌کند اقدام نماید. موجر جز در موارد مصرح در این فصل نمی‌تواند از انجام این تعهد استنکاف یا انجام آن را به انجام تعهدات غیرمتقابل مستأجر، همانند پرداخت خسارت و جریمه، موکول نماید.

ماده ۲۴۱) حق مستأجر نسبت به عین مستأجره مقدم بر حق بستانکاران موجر است. بستانکاران مستأجر قبل از حصول مالکیت مستأجر نسبت به عین مستأجره حقی نسبت به عین آن ندارند.

ماده ۲۴۲) پس از تحویل مورد اجاره و قبول آن از سوی مستأجر جبران هرگونه خسارت وارده بر مورد اجاره برعهده مستأجر است، مگر اینکه خسارت وارده به حوادث خارجی غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل‌رفع مستند باشد و در قرارداد شرط مسؤولیت مطلق مستأجر نشده باشد.

ماده ۲۴۳) چنانچه مورد اجاره تلف شود، قرارداد منفسخ می‌شود. هرگاه تلف مورد اجاره بر اثر حادثه غیر قابل پیش‌بینی غیر قابل رفع باشد، مستأجر مسؤولیتی در قبال تلف عین مستأجره ندارد، لکن نمی‌تواند اجرت المسمی‌های پرداخت شده قبلی را مطالبه کند و چنانچه از بابت اجرت المسمای ایام تصرف مبلغی بدهکار باشد، باید تسویه نماید.

ماده ۲۴۴) هرگاه تلف مورد اجاره مستند به مستأجر باشد، مستأجر مسئول جبران زیان‌های وارده شده به عین مستأجره است و نمی‌تواند اجرت المسمی‌های پرداخت شده قبلی را مطالبه کند و چنانچه از بابت اجرت المسمای ایام تصرف مبلغی بدهکار باشد، باید تسویه نماید.

ماده ۲۴۵) چنانچه تلف مورد اجاره منتسب به ثالث باشد، وی مکلف است خسارات وارد شده به موجر و مستأجر را جبران کند. در هر صورت، مجموع خسارات پرداختی از سوی شخص ثالث نمی‌تواند از قیمت کل مال تلف شده بیشتر باشد.

ماده ۲۴۶) موجر نمی‌تواند جز در مورد عدم رعایت تکالیف مستأجر مطابق مقررات این فصل، حق فسخ قرارداد را شرط کند.

ماده ۲۴۷) درج هرگونه شرط در قرارداد که برای مستأجر مزایایی کمتر از مزایای مندرج در این فصل مقرر کند، باطل و بلااثر است. بطلان شرط سبب بطلان قرارداد نمی‌شود.

ماده ۲۴۸) موارد سکوت در این فصل تابع عقد اجاره است.

فصل دهم - نمایندگی توزیع

ماده ۲۴۹) نمایندگی توزیع قراردادی است که به موجب آن شخصی که تامین‌کننده نامیده می‌شود در برابر شخص دیگر که توزیع‌کننده نامیده می‌شود تعهد می‌کند کالا یا کالاهایی را، به نحو مستمر، برای او تأمین کند تا وی بتواند آن‌ها را در منطقه جغرافیایی توافق شده به نام و حساب خود به فروش رساند.

ماده ۲۵۰) قرارداد نمایندگی توزیع می‌تواند به شکل انحصاری یا غیر انحصاری منعقد گردد. در صورتی که طبق قرارداد نمایندگی توزیع تأمین‌کننده نیز مجاز باشد که در منطقه جغرافیایی مورد توافق کالا را مستقیماً عرضه نماید، قرارداد منعقدشده «قرارداد نمایندگی توزیع مشترک» نامیده می‌شود.

ماده ۲۵۱) چنانچه در قرارداد نمایندگی توزیع قلمرو جغرافیایی عرضه کالا تعیین نشده باشد، در قراردادهای توزیع بین‌المللی کشور محل اقامت توزیع‌کننده و در قراردادهای توزیع داخلی شهر محل اقامت توزیع‌کننده به‌عنوان «قلمرو جغرافیایی عرضه کالا» محسوب است.

ماده ۲۵۲) مواد (۹۳) تا (۹۸) و (۱۰۷) در خصوص قرارداد نمایندگی توزیع نیز مجرا است.

ماده ۲۵۳) توزیع کننده مجاز نیست هیچ اقدامی به نام و یا حساب تأمین کننده انجام دهد، مگر اینکه در آن مورد خاص بر وکالت توزیع کننده توافق شده باشد.

ماده ۲۵۴) اگر در طول مدت اجرای قرارداد نمایندگی توزیع، توزیع کننده مشتریانی را به تأمین کننده معرفی نماید تا مستقیماً کالا را از او خریداری نمایند، مستحق اجرت متعارف طبق شرایط نمایندگی تجارتي خواهد بود، مگر اینکه در قرارداد بر خلاف آن توافق شده باشد. در هر صورت این اقدام توزیع کننده موقعیت او را به نماینده تجارتي تغییر نمی دهد.

ماده ۲۵۵) در صورتی که قرارداد نمایندگی توزیع انحصاری منعقد شده باشد، تأمین کننده نمی تواند در منطقه جغرافیایی عرضه کالا برای شخص دیگری غیر از توزیع کننده تأمین کالا کند یا خود کالا را به شکل مستقیم یا غیر مستقیم به مشتریان منطقه مذکور بفروشد. در غیر این صورت مسئول جبران خسارات وارده به توزیع کننده خواهد بود. همچنین توزیع کننده نیز نمی تواند بدون اجازه کتبی تأمین کننده به ارائه، تولید، بازاریابی و یا فروش هر نوع کالایی که رقیب کالاهای موضوع قرارداد است در منطقه جغرافیایی عرضه کالا اقدام نماید. چنانچه توزیع کننده در خارج از منطقه مذکور فعالیت داشته باشد یا کالاهای دیگری نیز عرضه کند که رقیب کالای موضوع قرارداد نمایندگی توزیع محسوب نشود، باید تا سی روز پس از وقوع این امر، تأمین کننده را در جریان فعالیت خود قرار دهد.

تبصره ۱: در صورتی که تأمین کننده مشتریان خاصی را در منطقه جغرافیایی عرضه کالا از سابق داشته و به هنگام قرارداد نیز مشخصات و میزان فروش به آنان را به توزیع کننده اعلام کرده باشد، استمرار تأمین کالا برای مشتریان مزبور به میزان اعلام شده از حکم این ماده مستثنا است.

ماده ۲۵۶) چنانچه توزیع کننده در زمان انعقاد قرارداد توزیع اقدام به ارائه، تولید، بازاریابی یا فروش مستقیم و یا غیر مستقیم کالایی می نماید، باید فهرست آنها را تهیه و به تأمین کننده تسلیم نماید. همچنین در صورتی که تأمین کننده در منطقه جغرافیایی مذکور توزیع کننده دیگری دارد و یا خود مستقیماً کالای موضوع قرارداد را توزیع می نماید، باید این امر را به اطلاع توزیع کننده برساند.

ماده ۲۵۷) چنانچه تأمین کننده در منطقه جغرافیایی عرضه کالا خدمات پس از فروش ارائه می کند، نماینده توزیع مکلف است کلیه تمهیدات لازم برای ارتباط مشتری با واحد مذکور را فراهم نماید. چنانچه تأمین کننده در منطقه جغرافیایی عرضه کالا خدمات پس از فروش ارائه نمی کند، نماینده توزیع مکلف است خریدار را از این امر مطلع نماید. هرگونه توافقی خلاف مفاد این ماده باطل است.

ماده ۲۵۸) تعیین نحوه تبلیغ و محتوای آن در منطقه جغرافیایی عرضه کالا از اختیارات توزیع کننده است، مگر اینکه تأمین کننده نوع خاصی از تبلیغات را در قرارداد ممنوع یا مخالفت تبلیغات مذکور با حسن شهرت یا سیاست بازاریابی خود را به نماینده اعلام کرده باشد. در هر صورت توزیع کننده مکلف است قبل از اقدام به تبلیغ نمونه آن را برای تأمین کننده ارسال نماید.

ماده ۲۵۹) هزینه شرکت در نمایشگاه ها و هزینه تبلیغات انجام شده از سوی هر یک از طرفین قرارداد به عهده خود او خواهد بود، مگر آن که ترتیب دیگری در قرارداد پیش بینی شده باشد.

ماده ۲۶۰) تأمین کننده مکلف است بر طبق قرارداد، کلیه کالاهای سفارش داده شده از سوی توزیع کننده را تأمین نماید. رد سفارشات توزیع کننده به نحو غیر متعارف نقض تعهدات تأمین کننده تلقی خواهد شد.

ماده ۲۶۱) طرفین می‌توانند حداقل میزان فروش تضمین شده را در قرارداد پیش‌بینی نمایند. در این صورت طرفین باید تلاش متعارف برای رسیدن به حداقل فروش تضمین شده را به عمل آورند.

ماده ۲۶۲) توزیع‌کننده می‌تواند توزیع‌کننده و یا نمایندگانی را برای کار توزیع و فروش کالا در منطقه جغرافیایی عرضه کالا بکار گیرد، مگر اینکه تأمین‌کننده او را از این کار منع کرده باشد. کلیه شرایطی که برای توزیع‌کننده اصلی از سوی تأمین‌کننده تعیین شده است در خصوص توزیع‌کنندگان فرعی و نمایندگان توزیع اصلی نیز لازم‌الرعایه است. مسئولیت توزیع‌کنندگان و یا نمایندگان فرعی بر عهده توزیع‌کننده اصلی خواهد بود. توزیع‌کننده مکلف است مراتب مذکور را به تأمین‌کننده اطلاع دهد.

ماده ۲۶۳) در مواردی که تأمین‌کننده کالا در ایران اقامتگاه یا شعبه‌ای نداشته باشد، توزیع‌کننده مکلف است هرگونه تغییر در قوانین و مقرراتی را که به نحوی مرتبط با موضوع قرارداد است از قبیل قوانین و مقررات گمرکی، فنی و ایمنی و محیط زیستی به اطلاع او برساند.

ماده ۱۲۶۴) توزیع‌کننده در قیمت‌گذاری کالا برای فروش آن آزادی عمل دارد، مگر اینکه بر خلاف آن توافق شده یا قیمت‌گذاری او به نحوی باشد که موجب خدشه دار شدن شهرت و اعتبار کالا شود. در صورت اخیر، توزیع‌کننده اصلی و فرعی و نمایندگان آنها حسب مورد مکلف به رعایت قیمت‌های توافق شده یا اعلام شده از سوی تأمین‌کننده می‌باشند.

ماده ۲۶۵) هرگونه فروش، تبلیغ، بازاریابی یا واگذاری نمایندگی در خارج از منطقه جغرافیایی برای توزیع‌کننده ممنوع است. توزیع‌کننده مکلف است کلیه درخواست‌هایی را که از بیرون منطقه جغرافیایی عرضه کالا دریافت می‌نماید، به تأمین‌کننده ارسال کند. همچنین توزیع‌کننده موظف است در خصوص درخواست مشتریانی که اطلاع دارد هدف آنان توزیع در خارج از منطقه جغرافیایی است طبق حکم این ماده عمل نماید.

ماده ۲۶۶) توزیع‌کننده مجاز است کلیه علائم تجارتي، اسامی تجارتي و یا هر نوع علائم دیگر مربوط به تأمین‌کننده کالا را صرفاً به منظور شناساندن و تبلیغات کالاها، در منطقه جغرافیایی عرضه کالا مورد استفاده قرار دهد. حق استفاده مذکور پس از انقضا یا هر نوع خاتمه قرارداد منتفی می‌شود. با وجود این، توزیع‌کننده پس از ختم یا انقضاء قرارداد نیز می‌تواند کالایی را که با علائم تجارتي تأمین‌کننده نزد او موجود است به فروش رساند.

ماده ۲۶۷) توزیع‌کننده در منطقه جغرافیایی عرضه کالا، باید هرگونه دعوائی را که از سوی اشخاص ثالث در ارتباط با حقوق مالکیت فکری موضوع قرارداد مطرح شده است و همچنین هرگونه اقدامی را که تهدید یا نقض مالکیت مذکور باشد به تأمین‌کننده اطلاع دهد.

ماده ۲۶۸) توزیع‌کننده مکلف است به هزینه خود و در تمام طول مدت قرارداد موجودی کافی از تولیدات تأمین‌کننده و لوازم یدکی آن را که برای نیازهای عادی منطقه جغرافیایی عرضه کالا لازم است نگهداری نماید. طرفین می‌توانند میزان موجودی مذکور را بالاتر از میزان متعارف تعیین نمایند.

ماده ۲۶۹) طرفین مکلف هستند کلیه اسناد، مدارک و اطلاعات لازم و مربوط به اجرای مطلوب قرارداد توزیع را در حد متعارف و بدون دریافت هیچ گونه هزینه‌ای در اختیار یکدیگر قرار دهند.

ماده ۲۷۰) چنانچه قرارداد نمایندگی توزیع در مورد تخفیف خاص برای توزیع‌کننده نسبت به لیست قیمت کالاها ساکت باشد، توزیع‌کننده مستحق همان تخفیفی خواهد بود که تأمین‌کننده به سایر توزیع‌کنندگان و برای کالاهایی با کیفیت مشابه اعطا می‌کند.

ماده ۲۷۱) با انقضاء یا خاتمه قرارداد، توزیع کننده مکلف است کلیه ابزار تبلیغاتی و سایر اسناد و مدارک و نمونه‌هایی را که تأمین کننده در اختیار وی قرار داده است عودت نماید.

ماده ۲۷۲) پس از انقضاء یا خاتمه قرارداد، تأمین کننده باید کلیه کالای موجود نزد توزیع کننده را مرجوع نماید و وجوه و یا اسناد تجارتي دریافت شده بابت آنها را عودت دهد، مشروط بر اینکه این نوع از کالاها جزء آن دسته از محصولات باشد که هنوز توسط تأمین کننده به فروش می‌رسد و در شرایط مناسب و دارای بسته‌بندی اولیه باشد. در هر حال توزیع کننده می‌تواند کالاهای باقیمانده را بر اساس قرارداد و شرایط متعارف به فروش رساند. این حکم مانع الزام تأمین کننده به استرداد کالاهای باقیمانده و بازپس دادن وجوه و یا اسناد تجارتي دریافت شده مطابق مقررات این ماده نیست.

ماده ۲۷۳) هرکس بر خلاف واقع ادعای نمایندگی توزیع از طرف دیگری نماید، علاوه بر پلمب محل نمایندگی و جبران خسارات وارد شده، به جزای نقدی درجه ۳ محکوم می‌شود.

فصل یازدهم - ضمانت

ماده ۲۷۴) ضمانت بر دو قسم است: ضمانت تبعی و ضمانت مستقل.

مبحث اول - ضمانت تبعی

ماده ۲۷۵) در هر مورد که چند شخص به موجب قرارداد یا قانون به‌طور مستقل مسؤول ایفای دین واحد باشند، بستانکار می‌تواند برای وصول تمام یا بخشی از طلب خود به هر یک از مسؤولان رجوع کند، مگر اینکه مطابق قانون یا قرارداد مکلف شده باشد در ابتداء به یکی از مسؤولان مراجعه و در صورت عدم وصول طلب به دیگری رجوع کند.

ماده ۲۷۶) ضامن قبل از رسیدن اجل دین اصلی ملزم به تأدیه نیست، حتی اگر به سببی مانند فوت، دین اصلی حال شود. ضامن حال از این حکم مستثنی است.

ماده ۲۷۷) اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط به شرطی مانند اخطار قبلی باشد، رعایت آن شرط نسبت به ضامن نیز الزامی است.

ماده ۲۷۸) چنانچه تمام یا بخشی از دین اصلی به هر نحو ساقط گردد، ضامن نیز حسب مورد نسبت به تمام دین یا بخش ساقط شده از مسؤولیت بری می‌شود.

ماده ۲۷۹) پس از آنکه ضامن دین اصلی را پرداخت کرد، مضمون له باید تمام اسناد و مدارکی را که برای رجوع ضامن به مضمون عنه لازم و مفید است به او بدهد و اگر دین اصلی وثیقه داشته باشد، آن را به ضامن تسلیم کند. اگر دین اصلی وثیقه غیرمنقول داشته باشد، وثیقه دهنده مکلف است تشریفات را که برای انتقال وثیقه به ضامن به عنوان وثیقه گیرنده جدید لازم است، انجام دهد.

ماده ۲۸۰) ضامنی که به صورت تبرعی ضمانت کند، حق رجوع به مضمون عنه را ندارد.

مبحث دوم - ضمانت مستقل

ماده ۲۸۱) ضمانت مستقل قراردادی است که به موجب آن شخصی (ضامن) به درخواست دیگری (مضمون عنه) پرداخت مبلغ معینی به شخص ثالث (مضمون له) را با رعایت شرایط مقرر در قرارداد و مستقل از رابطه مبنایی بین مضمون عنه و مضمون له بر عهده می‌گیرد.

ماده ۲۸۲) سند حاکی از قرارداد ضمانت مستقل ضمانت نامه مستقل نامیده می شود.

ماده ۲۸۳) ضامن می تواند برای تضمین بازپرداخت مبالغ پرداخت شده به به موجب ضمانت نامه، از مضمون^۱ عنه تقاضای ضمانت نامه کند. این ضمانت نامه که به وسیله خود مضمون عنه یا به درخواست وی صادر می شود ضمانت نامه متقابل نام دارد و جز در موارد مصرح تابع احکام ضمانت نامه مستقل است.

ماده ۲۸۴) تعهدات ناشی از ضمانت نامه موضوع این باب، مستقل از تعهدات متقابل ذی نفع و متقاضی که ناشی از قرارداد اصلی است و همچنین مستقل از تعهد متقاضی در برابر صادرکننده، معتبر است. هرگونه اشاره ای که در ضمانت نامه به تعهدات متقابل ذی نفع و متقاضی ناشی از قرارداد اصلی گردد، خللی به مستقل بودن ضمانت نامه وارد نخواهد کرد.

ماده ۲۸۵) ضمانت نامه مستقل باید علاوه بر مهر و امضای صادرکننده مشتمل بر موارد زیر باشد:

۱ - درج عبارت «ضمانت نامه مستقل» بر روی سند

۲ - هویت و نشانی متقاضی (مضمون^۲ عنه)

۳ - هویت و نشانی صادرکننده (ضامن)

۴ - هویت و نشانی ذی نفع (مضمون^۳ له)

۵ - تاریخ صدور به روز و ماه و سال

۶ - مبلغ ضمانت نامه

۷ - تاریخ خاتمه اعتبار ضمانت نامه یا واقعه منتج به خاتمه اعتبار ضمانت نامه؛

۸ - تاریخ و شرایط مطالبه مبلغ و مدارک لازم برای احراز شرایط عندالاقضاء؛

۹ - شرایط تغییر مفاد ضمانت نامه

۱۰ - مشخصات قرارداد اصلی

۱۱ - مشخصات ضمانت نامه متقابل در صورت وجود،

۱۲ - قابلیت تمدید یا عدم تمدید ضمانت نامه و بیان نحوه تمدید در صورت قابل تمدید بودن.

تبصره: هر گونه شرطی مبنی بر پرداخت وجه ضمانت نامه بدون درخواست ذی نفع، یا تمدید آن به نحو خود به خود ممنوع است. تمدید ضمانت نامه در هر حال منوط به موافقت صادرکننده است.

ماده ۲۸۶) اگر تاریخ اعتبار ضمانت نامه مستقل در آن ذکر نشود تا پنج سال از تاریخ صدور اعتبار دارد. چنانچه ضمانت نامه متقابل فاقد مدت باشد، مدت اعتبار آن برابر با یک سال پس از تاریخ اعتبار ضمانت نامه اصلی خواهد بود.

ماده ۲۸۷) هر شرطی که استقلال ضمانت نامه مستقل را تغییر دهد بی اثر است.

ماده ۲۸۸) ضمانت نامه مستقل به محض صدور غیرقابل برگشت است، حتی اگر صریحاً در آن قید نشده باشد.

ماده ۲۸۹) به محض اینکه ضمانت نامه مستقل به متقاضی یا نماینده وی تسلیم شد، صادر شده محسوب می شود، مگر آنکه در ضمانت نامه به نحو دیگری توافق شود. ارسال ضمانت نامه برای متقاضی یا نماینده وی در حکم تسلیم است.

ماده ۲۹۰) به محض صدور ضمانت نامه و تا قبل از انقضاء اعتبار آن ذی نفع می تواند با ارائه ضمانت نامه مبلغ آن را مطالبه کند، مگر آنکه در ضمانت نامه زمان و یا شرایط خاصی برای مطالبه تعیین شود.

تبصره: به جز درج تاریخ یا قید گذشت زمان معین، ضمانت نامه نباید حاوی شرطی باشد که نتوان برای احراز تحقق آن شرط، مدرکی ارائه کرد. در صورت وجود چنین شرطی یا در مواردی که مدرک احراز شرط معین نشده باشد و سوابق موجود نزد ضامن نیز نتواند تحقق شرط را اثبات نماید، ضامن باید بدون توجه به آن شرط وجه را پرداخت کند. همچنین پرداخت ضمانت نامه نباید منوط به ارائه مدرکی شود که متقاضی صادر کننده انحصاری آن است.

ماده ۲۹۱) هر یک از ذی نفع و متقاضی می تواند با رعایت شرایطی که عندالاجتضاء برای تغییر ضمانت نامه پیش بینی شده است تغییر آن را تقاضا نماید. در این صورت ضامن مکلف است درخواست تغییر را برای طرف دیگر ارسال کرده و موافقت کتبی وی را درخواست کند. در صورت موافقت کتبی ذی نفع یا متقاضی، از لحظه صدور اصلاحیه وفق ماده (۲۸۹) این قانون، ضمانت نامه اصلاح شده تلقی می شود، مگر آنکه در متن موافقت نامه به نحو دیگری توافق گردد. چنانچه ذی نفع یا متقاضی در گذشته و به صورت کتبی با اصلاحیه موافقت نکرده باشد، از لحظه ای که صادر کننده ضمانت نامه اعلامیه پذیرش اصلاحیه به وسیله ذی نفع یا متقاضی را دریافت می کند، ضمانت نامه اصلاح شده تلقی می شود. مگر آنکه بر خلاف آن توافق شده باشد.

تبصره: در مواردی که تغییر ضمانت نامه، تعهدات صادر کننده را تغییر دهد، موافقت صادر کننده برای تغییر لازم است. با وجود این چنانچه تغییر به دلیل پرداخت بخشی از وجه ضمانت نامه یا سررسید شدن تاریخ یا واقع شدن شرایط مندرج در آن تقاضا گردد، صادر کننده مکلف به تغییر است.

ماده ۲۹۲) تغییر ضمانت نامه مستقل تأثیری به زیان تأیید کننده ضمانت نامه ندارد، مگر اینکه وی به طور کتبی موافقت کرده باشد. تأیید کننده ضمانت نامه شخصی است که اجرای مفاد ضمانت نامه به وسیله ضامن را تعهد می کند.

ماده ۲۹۳) ضمانت نامه مستقل در صورتی قابل انتقال است که صراحتاً عبارت قابل انتقال در آن درج شده باشد. انتقال ضمانت نامه با موافقت صادر کننده و پس از اخطار به انتقال دهنده به ضامن مبنی بر اینکه انتقال گیرنده جانشین حقوق و تعهدات او در رابطه پایه شده است محقق خواهد شد.

ماده ۲۹۴) هر یک از اطراف ضمانت نامه مستقل، می تواند برای انجام وظایف و اختیارات خود به سایر طرف های ضمانت یا اشخاص ثالث فقط به طور رسمی وکالت دهد.

ماده ۲۹۵) در صورتی که صادر کننده یا هر شخص دیگری که باید مبلغ ضمانت نامه را پرداخت کند، از سوی ذی نفع اطلاعیه ای مبنی بر انتقال ضمانت نامه به شخص ثالث دریافت کند و براساس آن تمام یا بخشی از مبلغ ضمانت نامه را به وی بپردازد، به همان میزان از تعهدات ناشی از ضمانت نامه بری می شود.

ماده ۲۹۶) تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه باید با رعایت شرایط مندرج در ضمانتنامه و این قانون انجام شود. تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه به منزله اقرار ذی نفع به موارد زیر است:

۱- کلیه اسناد ارائه شده منطبق با مقررات است و هیچ یک از آنها مجعول و غیر واقعی نیست؛

۲- هیچ پرداخت یا تعهد پرداختی درباره اسناد ارائه شده انجام نشده است.

ماده ۲۹۷) تقاضای پرداخت ضمانتنامه متقابل باید همراه اخطاریه‌ای از طرف ذی نفع آن مبنی بر دریافت مطالبه وجه ضمانتنامه مستقل مروط مطابق با شرایط آن است.

ماده ۲۹۸) پرداخت مبلغ ضمانتنامه و ارائه اسناد مندرج در آن باید حداکثر تا روز انقضای مدت اعتبار ضمانتنامه و در محل صدور آن از صادرکننده یا نماینده او تقاضا شود، مگر اینکه در ضمانتنامه به نحو دیگری مقرر گردد.

ماده ۲۹۹) انقضای اعتبار ضمانتنامه مستقل ممکن است در تاریخ مشخصی باشد یا به تحقق شرط معینی موکول شود. اگر هر دو ذکر شود هر یک زودتر اتفاق افتد تاریخ انقضاء اعتبار ضمانتنامه خواهد بود، مگر بر خلاف آن توافق شده باشد.

ماده ۳۰۰) تقاضای پرداخت بخشی از مبلغ ضمانتنامه یا پرداخت مبلغ آن در چند مرحله ممکن است، مشروط بر آنکه این امر در ضمانتنامه پیش‌بینی شود. در صورتی که متقاضی وثیقه‌ای در خصوص ضمانتنامه به صادرکننده داده باشد، با بازپرداخت هر بخش از مبالغی که ضامن به مضمون له پرداخته است می‌تواند به نسبت، خواهان آزاد شدن وثیقه خود گردد مشروط بر آن که وثیقه قابلیت تفکیک داشته باشد.

ماده ۳۰۱) صادرکننده باید تقاضای پرداخت ذی نفع و اسناد ضمیمه آن را بررسی کند و در حدود عرف، اصالت اصل سند و اسناد ضمیمه آن و مطابقت آنها با اسناد ذکر شده در ضمانتنامه را در روابط داخلی حداکثر تا یک هفته و در روابط بین‌المللی حداکثر تا یک‌ماه از تاریخ درخواست پرداخت، احراز و تعهد خود را ایفا کند. ایفای تعهد با تأدیه مبلغ مندرج در ضمانتنامه محقق می‌شود و ممکن است، حسب دستور ذی نفع، از طریق صدور حواله، قبول و پرداخت برات یا امثال آن انجام گیرد.

تبصره ۱: چنانچه ضمانت نامه متضمن شرطی دال بر ارایه اسناد و مدارک نباشد، در صورت مطالبه وجه ضمانت نامه توسط ذی نفع، صادرکننده موظف است پس از وصول درخواست مطالبه، تا ۴۸ ساعت مبلغ ضمانتنامه را به ذی نفع پرداخت نماید.

تبصره ۲: صادرکننده مکلف است به محض تقاضای پرداخت ضمانتنامه از سوی ذی نفع این موضوع را به موجب اخطار به اطلاع متقاضی و ضامن متقابل در صورت وجود برساند.

ماده ۳۰۲) چنانچه مطالبه مبلغ به ارائه اسنادی منوط شود و صادرکننده اسناد ارائه شده را با اسناد ذکر شده در ضمانتنامه مغایر تشخیص دهد، باید ظرف سه روز مراتب را همراه دلایل رد به صورت کتبی به اطلاع ذی نفع برساند. صادرکننده باید به تقاضای ذی نفع اصل اسناد را مسترد کند.

ماده ۳۰۳) قبول هیچ یک از اسناد به وسیله صادرکننده نباید به امضاء یا تایید متقاضی صدور ضمانتنامه یا امضاء شخص ثالث منوط شود.

ماده ۳۰۴) در مواردی که اسناد ارائه شده مجعول یا وقوع جرمی در مورد آنها محرز باشد، پرداخت وجه متوقف می‌شود.

ماده ۳۰۵) چنان چه ضمانت نامه متضمن شرطی دال بر ارایه اسناد و مدارک باشد، مؤسسه اعتباری بر مبنای ظاهر اسناد و مدارک ارایه شده در حد عرف بانکداری عمل می نماید و هیچ گونه تعهد یا مسئولیتی در این خصوص از جمله موارد زیر ندارد:

۱- اصالت و صحت هرگونه امضا، مدارک، اسناد و اطلاعات ارایه شده؛

۲- هرگونه اظهارات کلی یا خاص در خصوص مدارک و اسناد ارایه شده؛

۳- وجود کالا یا خدمات و همچنین شرح، مقدار، وزن، کیفیت، بسته بندی، تحویل و ارزش آنها و سایر کارهای اجرایی یا آماری که در اسناد و مدارک، به آنها اشاره شده است؛

۴- حسن نیت، فعل یا ترک فعل، اعتبار مالی و شخصی صادرکننده اسناد و مدارک.

ماده ۳۰۶) در صورتی که صادرکننده، اسناد ارائه شده یا تقاضای پرداخت ذی نفع را بدون توجیه قابل قبول رد کند، ملزم به جبران کلیه خسارات وارد شده به ذی نفع و متقاضی است.

ماده ۳۰۷) در صورتی که صادرکننده، مبلغ ضمانت نامه مستقل را مطابق شرایط ضمانت نامه پرداخت کند، متقاضی باید مبالغ زیر را به وی بپردازد:

۱- مبلغ مندرج در ضمانت نامه تا سقفی که به ذی نفع پرداخت شده است.

۲- کارمزدی که ممکن است برای پرداخت معین شده باشد.

۳- هزینه ها و خساراتی که صادرکننده در اثر انجام تعهدات ناشی از ضمانت نامه متحمل شده است. طرفین می توانند در این خصوص بر مبلغ مقطوعی به عنوان خسارت توافق کنند.

ماده ۳۰۸) در صورت فقدان، سرقت یا از بین رفتن ضمانت نامه صادرکننده به تقاضای ذی نفع ملزم به صدور نسخه جایگزین (المثنی) یا عندالاقضاء پرداخت مبلغ ضمانت نامه می باشد. در صورت صدور نسخه جایگزین باید عبارت «نسخه جایگزین (المثنی)» بر روی ضمانت نامه درج گردد.

ماده ۳۰۹) صادر کننده ضمانت نامه در موارد زیر از پرداخت وجه به ذی نفع خودداری می کند:

۱- چنانچه اسناد ارایه شده صحیح نباشد یا مجعول باشد،

۲- چنانچه وجه ضمانت نامه طبق شرایط مندرج در آن قابل مطالبه نباشد،

۳- چنانچه مطالبه وجه هیچ مبنای ممکن و قابل تصویری نداشته باشد مانند موارد زیر:

۳-۱- واقعه یا خطری که ضامن نامه مستقل به منظور حمایت ذی نفع در برابر آن صادر شده است مسلماً رخ نداده باشد،

۳-۲- تعهد پایه توسط دادگاه باطل اعلام شده باشد، مگر اینکه در ضمانت نامه تصریح شده باشد بطلان تعهد پایه نیز تحت پوشش ضمانت نامه قرار دارد.

۳-۳- تعهد پایه بدون تردید با رضایت ذی نفع اجرا شده باشد.

۳-۴- به تشخیص دادگاه تقصیر ذی نفع آشکارا مانع اجرای تعهد پایه شده باشد.

۴- در مورد ضمانت‌نامه متقابل، هرگاه ذینفع ضمانت نامه متقابل به عنوان صادرکننده ضمانت‌نامه مستقل مربوط، وجه آن را با سوء نیت پرداخته باشد.

تبصره: متقاضی ضمانت نامه می‌تواند در موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲) و (۳) این ماده از دادگاه صدور دستور موقت مبنی بر عدم پرداخت ضمانت‌نامه را تقاضا نماید.

ماده ۳۱۰) در صورتی که صادرکننده به دلیل حوادث خارجی غیر قابل پیش بینی و غیر قابل رفع یا دستور مقام قضایی نتواند مبلغ ضمانت را پرداخت کند و مدت اعتبار ضمانت نامه نیز در این مدت منقضی شده باشد، ضمانت‌نامه تا سی روز پس از رفع موارد مذکور معتبر خواهد بود. چنانچه ذی‌نفع پیش از تاریخ بروز حادثه یا پیش از تاریخ وصول دستور مقام قضایی مبنی بر عدم پرداخت، درخواست مطالبه وجه ضمانت‌نامه را به صادرکننده یا ضامن ارایه نموده باشد، صادرکننده موظف است پس از رفع موارد مذکور مطابق مقررات این قانون، وجه ضمانت‌نامه را به ذی‌نفع پرداخت نماید.

ماده ۳۱۱) هر کس با علم به بلاجهت بودن وصول مبلغ ضمانت‌نامه آن را وصول کند، به جزای نقدی از نصف تا کل مبلغ ضمانت‌نامه و جبران خسارت زیان‌دیده محکوم خواهد شد.

ماده ۳۱۲) مقررات این فصل نافذ اختیارات مراجع ذی صلاح در تنظیم دستورالعمل اجرایی ناظر بر ضمانت نامه های بانکی ناشی از سیاست های پولی و بانکی نیست.

فصل دوازدهم - اعطای امتیاز کسب و کار (فرانچایز)

ماده ۳۱۳) اعطاء امتیاز کسب و کار (فرانچایز) قراردادی است که به موجب آن، دارنده یک کسب و کار حق استفاده از مالکیت فکری خود در آن کسب و کار مانند نام و علامت تجاری و دانش فنی را به منظور راه‌اندازی و انجام همان کسب و کار تحت همان نام و علامت و با شرایط معین و با کمک و تحت نظارت مستمر خود در محدوده جغرافیایی معین به دیگری اعطاء می‌کند.

ماده ۳۱۴) امتیاز گیرنده مستقل بوده و به نام و حساب خود فعالیت می‌کند.

ماده ۳۱۵) طرفین قرارداد موظف هستند تا قرارداد اعطاء امتیاز و هر نوع تغییر در مفاد آن را نزد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به ثبت برسانند. قراردادی که برای ثبت به مرجع ثبت ارائه می‌شود، حداقل باید شامل موارد زیر باشد:

(۱) هویت طرفین قرارداد؛

(۲) نام و مشخصات کسب و کار؛

(۳) مابه‌ازای امتیاز اعطاء شده و هزینه‌های مرتبط از قبیل هزینه تبلیغات، هزینه ارتقاء؛

(۴) تعهدات امتیازدهنده؛

(۵) تعهدات امتیازگیرنده؛

(۶) مشخصات مالکیت فکری اعطاء شده؛

۷) تعیین تکلیف در خصوص امکان واگذاری کسب و کار به شخص دیگر و شرایط آن در صورت امکان؛

۸) نوع و مشخصات کمک‌های اعطائی از سوی امتیاز دهنده؛

۹) مدت زمان قرارداد و شرایط راجع به تمدید آن؛

۱۰) حقوق و تکالیف طرفین پس از خاتمه یا انقضاء قرارداد؛

۱۱) انحصاری یا غیر انحصاری بودن قرارداد؛

۱۲) تعیین تکلیف کسب و کار در صورت فوت امتیازگیرنده؛

۱۳) تکلیف قرارداد در صورت تغییر یا انقضاء مالکیت فکری در طول مدت قرارداد؛

۱۴) نحوه تبلیغات به خصوص امکان یا عدم امکان تبلیغ در خارج از حوزه جغرافیایی.

ماده ۳۱۶) اعطای امتیاز کسب و کار باید در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسد. در غیر این صورت محل کسب و کار امتیاز گیرنده پلمب خواهد شد. ثبت مذکور منوط به ارایه گواهی ثبت قرارداد اعطاء امتیاز مطابق ماده (۳۱۵) است.

ماده ۳۱۷) مرجع ثبت، مفاد بندهای (۱)، (۲)، (۳)، (۴)، (۷)، (۹) و (۱۱) ماده (۳۱۵) و هر نوع تغییر در خصوص آنها را در روزنامه رسمی منتشر می‌کند. در صورت عدم ثبت قرارداد، طرفین نمی‌توانند به ضرر اشخاص ثالث ناآگاه به مفاد قرارداد استناد نمایند.

ماده ۳۱۸) امتیازدهنده باید حقوق مالکیت فکری موضوع قرارداد اعطاء امتیاز کسب و کار را به شکل قانونی کسب کرده و در مواردی که الزام به ثبت آن وجود دارد، آن را به ثبت برساند. امتیازدهنده ضامن اعتبار این حقوق در طول دوره قرارداد است.

ماده ۳۱۹) هر شخص بدون انعقاد قرارداد امتیاز طبق این قانون، خود را منتسب به شبکه کسب و کار نموده یا اقداماتی انجام دهد که نوعاً موجب گمراهی مردم در خصوص انتساب آن به یک شبکه کسب و کار مشخص باشد، علاوه بر جبران خسارات وارده به جزای نقدی درجه ۴ محکوم خواهد شد.

ماده ۳۲۰) امتیازدهنده مکلف است قبل از انعقاد قرارداد اطلاعات زیر را در اختیار متقاضی امتیاز، قرار دهد:

۱) اطلاعات شبکه کسب و کار از قبیل ساختار و وسعت شبکه و سوابق آن؛

۲) حق مالکیت فکری مرتبط و هرگونه دعوای طرح شده در خصوص آن؛

۳) دعوای مطرح علیه امتیازدهنده یا وابستگان تجاری آن در ارتباط با موضوع قرارداد در مدت پنج سال اخیر؛

۴) سابقه ورشکستگی یا توقف در پنج سال اخیر؛

۵) مشخصات امتیازگیرندگان نزدیک به منطقه جغرافیایی متقاضی؛

۶) اطلاعات امتیاز گیرندگانی که در پنج سال اخیر با شبکه کسب و کار قطع همکاری کرده‌اند با بیان علت قطع همکاری.

تبصره: هرگونه توافقی بر خلاف این ماده کأن لم یکن تلقی خواهد شد. در صورت عدم ارائه اطلاعات یا ارائه اطلاعات خلاف واقع امتیازدهنده مسئول جبران خسارات طرف مقابل است. علاوه بر این امتیازگیرنده ناآگاه می‌تواند قرارداد را فسخ نماید.

ماده ۳۲۱) امتیازدهنده مکلف است اطلاعات، دانش فنی و آموزش‌های لازم برای راه اندازی کسب و کار را به امتیازگیرنده ارائه دهد. در صورتی که در طول اجرای قرارداد، اطلاعات و دانش فنی، تصحیح، توسعه و یا تکمیل یابد، امتیازدهنده موظف به ارائه اطلاعات و دانش جدید است.

ماده ۳۲۲) در صورتی که مالکیت فکری موضوع قرارداد از سوی شخص ثالث نقض گردد، امتیازدهنده مکلف است نسبت به جلوگیری از نقض مذکور اقدامات لازم را انجام دهد. در صورت تقاضای امتیازگیرنده مبنی بر جلوگیری از نقض و عدم انجام اقدامی از سوی امتیازدهنده، امتیازگیرنده در محدوده جغرافیایی خود، شخصا می‌تواند علیه ثالث اقامه دعوا نماید. در این صورت هزینه‌های متحمل و خسارات ناشی از عدم اقدام بر عهده امتیازدهنده خواهد بود.

ماده ۳۲۳) امتیازگیرنده متعهد است روش تجارتي و دستورالعمل‌های صادره از سوی امتیازدهنده را رعایت نماید. دستورالعمل‌های مذکور تا مقداری نافذ خواهد بود که به مستقل بودن امتیاز گیرنده طبق ماده (۳۱۴) خللی وارد نشود.

ماده ۳۲۴) امتیازدهنده موظف به نظارت بر شیوه عملکرد امتیازگیرنده است تا کالای ارائه شده از سوی او برخلاف استانداردها و کیفیت کالاهای اصلی نباشد.

ماده ۳۲۵) امتیازگیرنده باید حق دسترسی به محیط فعالیت خود را برای امتیازدهنده فراهم نماید به نحوی که امتیازدهنده اطمینان حاصل کند امتیازگیرنده بر طبق قرارداد و دستورالعمل‌های صادره عمل نموده و اقدامی انجام نمی‌دهد که شهرت و اعتبار شبکه کسب و کار را به خطر اندازد. همچنین امتیازگیرنده باید حق دسترسی به دفاتر و سایر اسناد مالی مربوط به قرارداد را برای امتیازدهنده فراهم نماید.

ماده ۳۲۶) امتیازدهنده در صورت انحصاری بودن قرارداد امتیاز نمی‌تواند در منطقه جغرافیایی مورد توافق، به شکل مستقیم یا غیر مستقیم اقدام به رقابت با امتیازگیرنده نماید یا با شخص دیگری در خصوص موضوع قرارداد، قرارداد اعطاء امتیاز دیگری منعقد نماید.

ماده ۳۲۷) امتیازدهنده باید کلیه اقدامات لازم و متعارف به ویژه طراحی برنامه‌های تبلیغاتی را در جهت حفظ و ارتقاء شهرت و اعتبار شبکه کسب و کار انجام دهد. انجام هرگونه اقدامی توسط امتیازگیرنده که موجب خدشه به اعتبار و حسن شهرت شبکه کسب و کار شود، ممنوع است.

ماده ۳۲۸) امتیازدهنده می‌تواند در قرارداد شرط کند که امتیازگیرنده تا مدتی بعد از انقضاء قرارداد از راه‌اندازی کسب و کاری مشابه با موضوع قرارداد در همان منطقه جغرافیایی ممنوع باشد، در هر صورت مدت مذکور نمی‌تواند بیش از دو سال پس از انقضاء قرارداد باشد

ماده ۳۲۹) بعد از انقضای مدت قرارداد، امتیازگیرنده حق فروش اموالی که نزد او باقی مانده است را با همان شرایط مذکور در قرارداد دارد و این امر نقض مالکیت امتیازدهنده محسوب نمی‌گردد؛ مگر اینکه امتیازدهنده خود خواهان خرید کالاهای مذکور به قیمت روز باشد که در این صورت امتیازگیرنده باید از فروش کالاهای مذکور به غیر خودداری کند.

ماده ۳۳۰) از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون قوانین زیر و سایر قوانین و مقررات مغایر با این قانون نسخ می‌شود.

۱ - مواد (۳۳۵) الی (۴۱۱) قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱

۲- تصویب نامه قانونی مربوط به تاسیس انبارهای عمومی مصوب ۱۳۴۰/۶/۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی.

ماده ۳۳۱) مفاد این قانون از تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱ لازم الاجرا است.

